



فهرست مطالب

- ۲..... علیه سیاست تحریم و جنگ تجاوز کارانه
- ۳..... فرزندان ما کجاستند؟
- ۴..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۱..... اعتصاب غذای من همفکری و هماهنگی ما علیه ظلم است
- ۱۲..... بیانیه حمایت فعالان کارگری و دانشجویی تبریز از بازداشتیان و کارگران هفت تپه
- ۱۳..... اتحادیه کارگری و مردمی برزیل
- ۱۳..... پیکار کارگران ایران علیه اختناق، خصوصی سازی‌ها و تحریم اقتصادی
- ۱۵..... فشار و ممانعت از برگزاری مراسم سالگرد احمد شاملو را قویاً محکوم می‌کنیم
- ۱۶..... «دلار هفت تومانی کجا، دلار ۱۰ هزار تومانی کجا!»
- ۱۸..... یادی از رفیق شاهرخ اسفراینی
- ۱۹..... به مناسبت دومین سالگرد درگذشت رفیق مهپاره آهنی
- ۲۰..... لیبی را به ویرانه تبدیل کردند
- ۲۱..... (مفهوم خرده بورژوازی و به بیان دیگر، طبقه متوسط، از نگاه ماکسیم گورکی)
- ۲۲..... موقعیت آماده سازی جنگ علیه ایران
- ۲۳..... دیوانه ای در انگلیس
- ۲۴..... بیانیه پیرامون افزایش تنش آمریکا علیه ایران
- ۲۶..... گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش
- ۲۸..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

علیه سیاست تحریم و جنگ تجاوزکارانه

ت و گوئی رنج و ستمی که بیش از ۴ دهه است بر مردم آزاد کشورمان رفته و هنوز هم می‌رود، کافی نیست، اکنون آمریکا نیز با تحریمات بی‌سابقه اقتصادی خود ستم مضاعف بر زحمتکشان این خاک و بوم وارد می‌آورد. امپریالیسم آمریکا با اعمال تحریم اقتصادی، مردم ایران را در پای امنیت و منافع اسرائیل در منطقه قربانی می‌کند و در عین حال مدعی است که این تحریمات برای ایجاد آسایش و امنیت منطقه و جهان لازم و ضروریست. اما مسلم است آنکه بر اثر تحریم اقتصادی در تنگنای بیشتری می‌افتد، آن چند درصدی نیست که همه ثروت مملکت را از آن خود کرده و با پول بادآورده که در واقع از دهان مردم کنده و به جیب خویش ریخته است، هر چه به‌خواهند برایشان فراهم است و سران رژیم که کشور و مردم را به روز سیاه نشانده‌اند، خود در زمره همین درصد کم هستند که از هیچ جهتی در مضیقه نیستند و در مضیقه نمی‌افتند، آسوده می‌خوانند چون نیروهای مسلح از ثروت و مقام آنها پاسداری می‌کنند. آنکه در تحریم اقتصادی بر رنج و محنت‌اش افزوده می‌شود، مردم سیه روز و بخت برگشته‌اند. در این میان هستند عناصری از اپوزیسیون وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم که با اتکاء به کمک‌های مالی آنان از اعمال تحریم‌های کمرشکن دفاع می‌کنند و آنرا زمینه‌ساز سرنوشتی رژیم می‌نمایانند. چنین تصور می‌رود که تحریم اقتصادی مردم را به شورش و عصیان خواهد کشید تا سران حکومت بیدادگر و واپسگرا را از سر مردم کم‌کند. اما نمونه‌هایی چون عراق، لیبی را در برابر دیدگان خود داریم که سال‌ها مشمول تحریم اقتصادی بودند، ولی زمامداران آنها همچنان بر مسند قدرت باقی ماندند، تا بالاخره با جنگ و دخالت نظامی مستقیم از پای درآمدند و بر مردم سیه بخت این کشورها آن رفت که امروز شاهد آن هستیم. تحریم اقتصادی امروز دامان مردم ما را گرفته است که خود از دست زمامداران سخت می‌نالند. آیا آن عناصر اپوزیسیون در داخل و خارج کشور که از تحریم اقتصادی آمریکا پشتیبانی می‌کنند، نمی‌دانند که در راه بیچارگی بیشتر مردم گام برمی‌دارند؟ اگر باید به مردم اسیر ایران وفادار ماند، اگر باید به بهبود سرنوشت مردم اندیشید، آنگاه تحریم اقتصادی قابل دفاع نیست، محکوم است. آنکس که از سیاست تحریم دفاع می‌کند، الزاماً با تهدید و تعرض نظامی نیز مخالفت نخواهد ورزید. هم اکنون آمریکا گاه مردم ایران را «تروریست» مورد خطاب قرار می‌دهد، گاه بر آنست که با این مردم سر دشمنی ندارد و آماج حمله او سران رژیم‌اند که کانون شرارت در منطقه و جهان است. «دلسوزی» آمریکا برای مردم ما آن نقابی است که باید آنرا از چهره کره او کند، نیت و اهداف او را به جهانیان شناسانید و او رسوا ساخت. هم اکنون روند مبارزات اخیر کارگران و زحمتکشان، پس از آنکه به موفقیت‌هایی در امر همبستگی و اتحاد میان آحاد مردم ایران دست یافت، می‌رود تا آهنگ آن کند شود. این وضعیت از کجا ناشی می‌شود؟ عاملی که بیش از همه تأثیر گذار است تداوم و تشدید تهدید و تحریم و تعرض از سوی

امپریالیسم آمریکاست. حزب ما همیشه بر این حقیقت تأکید داشته است که مبارزات مردم ایران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از تحریمات و تهدیدات جنگی تأثیر منفی می‌پذیرد. گشودن جبهه دوم به روی مردم زحمتکش ما نه می‌تواند به نفع تعمیق و تشدید مبارزات آنها باشد و نه اینکه در جهت تأمین منافع ملی است. ادامه اوضاع و احوال کنونی اگرچه می‌تواند به ارکان نظام صدمات قابل ملاحظه‌ای وارد آورد و او را در برابر امپریالیسم ضربه‌پذیر سازد، ولی در درون دست رژیم را برای بستن دهان هر منتقد، برای سرکوب مبارزات به حق مردم بازتر می‌گذارد و بالطبع از یکسو به تثبیت و تقویت فضای رعب و وحشت کمک می‌رساند و از سوی دیگر به تضعیف مبارزات مردم منجر می‌شود. لذا وظیفه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی است که در برابر هرگونه تحریم، تهدید و تعرض از سوی امپریالیسم ایستادگی کنند و با تمام قوا افکار عمومی جهان را متوجه سیاست‌های جنگ‌افروزان امپریالیسم سازند و از بروز جنگ خانمان سوز ممانعت کنند. دفاع از صلح در دوران امپریالیسم دارای مضمون ملی و ضدامپریالیستی است و با مبارزات دموکراتیک مردم ایران پیوند تاریخی دارد، آنها را نمی‌توان به دلخواه از هم منفک کرد، از وزن و اهمیت یکی کاست بر دیگری افزود. آن جریاناتی که مبارزه برای احقاق صلح - صلحی که مضمون ضدامپریالیستی داشته باشد - را به مثابه عامل تثبیت‌کننده حاکمیت رژیم ایران مورد ارزیابی قرار می‌دهند، عامداً از ایجاد و احصاء چنین صلحی احتراز می‌کنند، تا امر «سرنوشتی» توسط امپریالیسم تسریع یابد. هم اکنون تحرکات و تهدیدات نظامی چاشنی تحریمات سنگین شده‌اند و این شرایط بحرانی می‌تواند به درگیری‌های نظامی محدود و بسته منجر شود. آمریکا هنوز بر طبل جنگ می‌زند و کوشش می‌کند تا در منطقه و در سطح جهانی متحدینی به دور خود جمع آورد. در حال حاضر هیچ یک از متحدین آمریکا از کانادا و استرالیا گرفته تا اروپا و ژاپن همه اعلام داشته‌اند که از آمریکا تبعیت نخواهند کرد و آمریکا نه تنها در کار تحریم اقتصادی ایران تنها خواهد ماند، بلکه در کار تهدید نظامی نیز متحدی جدی و پایدار نخواهد یافت. آمریکا نزدیک‌ترین متحد خود، انگلستان را مجاب کرد تا با توقیف یک نفتکش متعلق به ایران در جبل الطارق، ایران را به پای میز مذاکره [تسلیم و رضا] به کشاند که با واکنش مقابله به مثل از سوی ایران روبرو شد و علیرغم تهدیدات جدی انگلستان علیه ایران، دولت انگلستان تاکنون ره به جایی نبرده است. به نظر می‌آید که انگلستان کوتاه آمده باشد. وزیر امور خارجه انگلستان در برابر اسکای نیوز اظهار داشت که: «اگر ایرانی‌ها می‌خواهند از این وضعیت تاریک دربیایند و به عنوان یک عضو مسئولیت‌پذیر در جامعه بین‌الملل پذیرفته شوند، لازم است از نظام قانون‌مدار جامعه بین‌الملل پیروی کنند». البته پیروی کردن از «نظام قانون‌مدار جامعه بین‌الملل» امریست صالح و درست به شرط اینکه همه دولت‌ها خود را موظف به اجرای آن به‌بینند. اقدام غیر قانونی انگلستان مبنی بر توقیف نفت کش ایرانی در آبهای بین‌المللی نه نشانه تعهد انگلستان به قوانین بین‌الملل، که نشانه اراده او به نقض قوانین بین‌المللی است. علیرغم این وظیفه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی است که مواضع بازدارنده اتخاذ کنند و از بروز جنگ ممانعت به عمل آورند. •

شب کنیم؟ از شما می‌پرسیم آیا معترض بودن فعالین کارگری، دانشجویی، فعالان اجتماعی، خبرنگاران، نویسندگان و... به نابرابری و غیرانسانی بودن شرایط زندگی زحمتکشان، جرم و خیانت به کشور محسوب می‌شود؟ آیا شرکت، حمایت از اعتراضات و گزارش و نگارش پیرامون اوضاع کارگران و محروم‌ترین اقشار جامعه سزاوار فشار و عذابی اینچنینی است؟ آیا بیان نارسائی‌ها و کمبودها اقدام علیه امنیت ملی است؟

سالهاست که ما شاهد رشد جنبش زنان در ایران هستیم. جنبش زنان طی دهه‌های گذشته، زیر پرچم ارتجاع مذهبی و تبعیض جنسیتی در تمامی عرصه‌ها، به دلایل مختلف از جمله وجود غیر قابل انکار لایه‌های متفاوت و گوناگونی مطالبات و اهداف ناشی از این تنوع، با مسائل مختلفی دست به گریبان بوده است. اما دختران و زنان آگاه جنبش در سال‌های اخیر نه تنها موفق شدند نظرات عموم جامعه را به شرایط اسفناک کاری و زندگی زنان بیش از پیش معطوف دارند، بلکه در همفکری با مبارزان و فعالین کارگری موفق شدند راهکارهای جدیدی برای پیوند لازم و ضروری مطالبات زنان با مطالبات جنبش کارگری بیابند. این زنان آگاه جامعه بودند که با تکیه بر ارزش‌های انسانی مشترک، چون خواست برابری و عدالت خواهی، نان، کار، آزادی و رفاه، توانستند از تمرکز بر شعار ستم و نابرابری جنسی فراتر رفته و به علل ستم مضاعف بر زنان و به جداناپذیری مسئله زنان از مبارزات کارگری تکیه کنند. گامی که حلقه اتحاد این دو جنبش را محکم‌تر ساخت و دورنمای رهایی کامل زنان و مردان را به تصویر می‌کشید.

حکومت در حال حاضر در بن بست‌های سیاسی بین‌المللی و اقتصادی با بی‌خردی راه نجات خود را در امنیتی‌تر ساختن جو سیاسی حاکم بر کشور می‌بیند. مسئولان کشور می‌خواهند فشار را بر زحمتکشان و کارگرانی که قربانیان خصوصی‌سازی‌ها، اختلاس‌های نجومی و سیاست‌های چپاول‌گرانه سیستم اقتصادی نئولیبرالی به غایت فاسدشان هستند، افزایش دهند. سردمداران رژیم با ایجاد فضای رعب و ترس می‌خواهند صدای اعتراضات و بازخواهی حقوق پایمال شده مردم را در نطفه خفه کنند. اما چه کور و چه کم حافظه‌اند؟ مگر فراموش کرده‌اند این درس بزرگ تاریخی را که کارگران، زحمتکشان و ستم‌دیدگان چیزی برای از دست‌دادن ندارند جز زنجیرهایشان؟!

زنان و مردان این کشور، کارگران و مزدبگیران جامعه فراگرفته‌اند که با تکیه بر نیروی اتحاد و گسترش تشکلات خود می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند. مسئولان مملکت باید بدانند این درس را با اعمال شکنجه‌های قرون وسطائی و حبس و شلاق نمی‌توانند از اذهان مردم پاک کنند! جسم فرزندان ما ضعیف شده است، اما اراده قوی آنها و میلیون‌ها زن و مرد دیگر جای پیکرهای نحیف و زجر کشیده براه خواهند افتاد. بترسید از روزی که فریاد میلیونی عدالت خواهی و آزادی در خیابان‌ها طنین افکند.

مادری در همبستگی با مادران زندانیان - تهران - جمعه ۴ مرداد ۱۳۹۸ فریاد برآورد که «فرزندان ما را به آغوش خانواده‌هایشان بازگردانید! آزادشان کنید!»

دروغ ما به مادران زندانیان در بند!
 ننگ بر حاکمان انسان‌ستیز!



فرزندان ما کجاستند؟

«سپیده قلیان»، «ندا ناجی» و «عاطفه رنگریز» به همراه «آنیشا اسداللهی» تنها تعدادی از ده‌ها بازداشت‌شدگان زن در روز یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر اول ماه مه (روز جهانی کارگر) هستند که با ضرب و شتم مأموران دستگیر شدند. این دختران و پسران در بند، فرزندان من هستند که امروز با مشکلات زیادی در زندان دست و پنجه نرم می‌کنند از قبیل تمدید قرار بازداشت بدون کفالت، عدم ابلاغ تاریخ محاکمه، حبس انفرادی، حتی بعد از بازجویی، یورش‌های وحشیانه به سلول‌ها، تهدید به مرگ توسط مأموران زندان، ایجاد شرایط مصنوعی درگیری زندانیان عادی با زندانیان سیاسی و ایجاد درگیری فیزیکی با آنان، انتقال پی‌درپی زندانیان به زندان‌های متفاوت، شرایط مخوف زندان‌ها برای فعالین سیاسی و کارگری در اثر شکنجه‌های روحی و جسمی و تهدید به مرگ کردن آنها در زندان، عدم اجازه ملاقات منظم با خانواده‌ها، بدرفتاری و بی‌خبر گذاشتن خانواده‌ها از وضعیت عزیزانمان، بدرفتاری مسئولان زندان با ما خانواده‌های زندانیان، ایجاد ترس در صورت رسانه‌ای کردن و وادار به سکوت کردن خانواده‌ها در برابر آنچه بر فرزندانمان در سیاه چال‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد و ...

این دختران و زنان جوان امروز به کدامین جرم چنین بی‌رحمانه مورد ظلم و شکنجه شما مسئولان قرار می‌گیرند؟ از چه روی ما خانواده‌ها باید با دلهره‌های بی‌خبری از فرزندان روزها را



سیاست غارت مردم و میهن ادامه دهد و با غیرقانونی خواندن اعتراضات مردمی سدی مقابل تشکلیابی و مبارزه متحدانه زحمتکشان بسازد.

کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و ... به خیابان می آیند در اعتراض به حقوق به تاراج رفته شان و این حتی مطابق با اصل ۲۷ قانون اساسی است و کسی حق تعرض به آن‌ها را بر اساس قانون ندارد و مردم حق دارند در برابر چنین فاصله وحشتناک طبقاتی اعتراض و اعتصاب کنند. و حکومت اسلامی حق ندارد تا معترضین را با اتهامات غیر واقعی و مسخره و مبتذل به زنجیر، شکنجه و زندان به کشاند.

در حالی که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و دیگر زحمتکشان علیه خصوصی سازی و تبعات آن به اعتراض و مبارزه دست می زنند، مسئولین حکومتی و سرمایه داران و آقا زاده هایشان در کنار سرکوب زحمتکشان با بی شرمی تمام به حراج اموال مردم ایران تحت نام «خصوصی سازی» ادامه می دهند و حتی خیال سپردن «اداره زندان‌ها به بخش خصوصی» را پیدا کرده اند و خیال عقب نشینی و سازش با مردم را ندارند و این در حالی است که برای حفظ حکومت ننگین خود برای امپریالیست‌ها پیغام می فرستند و حتی حاضر به اجرای فرامین آن‌ها در راستای بازرسی‌های بیشتر از مراکز علمی و پژوهشی ایران تحت نام «پروتکل الحاقی» هستند. زهی بی شرمی!

ولی اگر گمان برده اند که مبارزه طبقه کارگر پایان می پذیرد، در اشتباهی سخت هستند که این مبارزه تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داشت.

در ادامه به بخشی از مبارزات کارگران و فرودستان جامعه در تیر ماه نظری می اندازیم:

در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری تیر ماه ۱۳۹۸

وقتی جمهوریت، آزادی و عدالت اجتماعی را، که از خواست‌های بر حق مردم در انقلاب بهمن بود، قربانی مطامع آزمندانه طبقات فوقانی جامعه کرده اند، برای طبقات تحت استثمار شده راهی غیر از مبارزه متحد، آگاهانه و متشکل تحت رهبری طبقه کارگر باقی نمی ماند و وقتی مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر زمین لرزه‌ای را برای حاکمان سرمایه دار به ارمغان آورد، دیگر کسی را یارای آن نیست، تا جلوی حرکت پیش رونده مبارزه محرومان را سد کند. آن زمان کارگران و زحمتکشان یک صدا خواهند گفت: «آقایان شوخی نگیرید! زمین زیر پایتان می لرزد». آن زمان سازش با امپریالیست‌ها نیز نه کمکی به بورژوازی داخلی خواهد کرد و نه کمکی به نئولیبرال‌های امپریالیست است، زیرا بساط همگی شان رفته و به ذباله دان تاریخ ریخته خواهد شد.

نرخ بالای بیکاری، رشد سریع قیمت‌ها و رشد بسیار کم حقوق‌ها، نابرابری حقوق‌های نجومی خودی‌ها و حقوق‌های کم کارگران و زحمتکشان، عدم پرداخت حقوق‌ها و مزایای کارگران و مزدبگیران، نابخردی حکومت گران در برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به حراج گذاشتن سرمایه‌های مردم ایران، تحت نام «خصوصی سازی»، رشد وحشتناک فاصله طبقاتی و ... موجب شده است تا صبر مردم زحمتکش به سر آید و علی‌رغم جو سرکوب و ارباب به میدان بیایند و برای به دست آوردن یک زندگی درخور، حتی از جان عزیز خود نیز بگذرند.

نظام مقدس! اسلامی گمان برده است که با سرکوب کارگران و زحمتکشان، با نابودی «آزادی» و برقراری استبداد می تواند به

هفت تپه

۱۱ تیر

به دستور مقام‌های امنیتی به جهت انتقام، کارفرمای نیشکر هفت تپه در ادامه فشار بر «اسماعیل بخشی» و خانواده وی، اقدام به فسخ قرارداد او نمود و کارگران هفت تپه در این رابطه اعلام داشتند: «ما کارگران هفت تپه تلاش‌ها و مصیبت‌های آقای بخشی برای کارگران را هرگز فراموش نخواهیم کرد، زیرا غیرت ما اجازه نمی‌دهد که نماینده ما و خانواده او بیشتر از این زجر بکشند و کارفرما و نهادهای امنیتی باید عواقب این کار را به‌پذیرند و در صورتی که طی روزهای آتی قرارداد وی تمدید نشود و حقوقش پرداخت نه‌گردد، دور جدید اعتراض‌های کارگری آغاز خواهد شد».

۱۴ تیر

«علی نجاتی»، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، با اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دیدار کرد. در این دیدار حاضرین حمایت خود را از بازداشت‌شدگان روز کارگر، اعتراضات کارگری هفت تپه و دیگر زندانیان کارگر، معلم و ... اعلام و خواهان آزادی آنان شدند.

۱۷ تیر

به نقل از «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران هفت تپه «اتهام‌های انتسابی آقای علی نجاتی عبارتند از: ۱- اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی. ۲- فعالیت تبلیغی علیه نظام و اتهام‌های انتسابی آقای اسماعیل بخشی عبارتند از: ۱- اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی. ۲- اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام. ۳- توهین به مقام رهبری. ۴- نشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی. ۵- اخلال در نظم عمومی از طریق حضور در تجمع‌های غیرقانونی».

گفتنی است در خصوص موکل (آقای اسماعیل بخشی) افزون بر اتهام‌های یاد شده، اخیراً پرونده نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشویش اذهان عمومی، با شکایت مستقیم وزیر اطلاعات از این کارگر مطرح شده بود. ولی دستگاه قضایی نظام مقدس خود می‌داند که تمامی این اتهامات واهی و بی‌اساس هستند.

قرارداد «اسماعیل بخشی» فسخ نشد و کارگران نشان دادند که با اتحاد و همبستگی می‌توانند به آنچه حقشان می‌باشد، دست یابند.

۲۰ تیر

طبق ابلاغیه‌ای به متهمین پرونده هفت تپه «اسماعیل بخشی»، امیرحسین محمدی فرد، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، علی

نجاتی، عسل محمدی و امیر امیرقلی»، دادگاه بدوی این عزیزان، ۱۲ مرداد ساعت ده صبح برگزار خواهد شد.

شرکت واحد

۳ تیر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با صدور اعلامیه‌ای تداوم بازداشت دستگیرشدگان تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر را محکوم کرد. در اعلامیه آمده است:

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دستگیری و زندانی کردن کارگران در تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر و همچنین زندانی کردن دیگر کارگران، معلمان و فعالان کارگری را به دلیل فریادهای حق طلبانه‌شان، که با اتهام‌های واهی امنیتی صورت گرفته‌اند، محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان و توقف ادامه محاکمه دستگیرشدگان روز کارگر هستند. همچنین خواسته و مطالبات کارگران باید بطور جدی از سوی مسئولان مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد».

سندیکای کارگران شرکت واحد از همه تشکل‌های کارگری و معلمان در ایران و سراسر جهان و همچنین دانشجویان درخواست دارد با قید فوریت برای آزادی کارگران، معلمان و فعالان کارگری و دانشجویی زندانی از هیچ کوششی دریغ نه‌کنند و با اتحاد و همبستگی ما را برای آزادی دستگیرشدگان یاری رسانند».

۱۷ تیر

چند تن از رانندگان شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه که توسط مدیریت شرکت، با دلایل واهی و کمک مدیران اداره کل کار استان تهران اخراج شده‌اند، به نشانه اعتراض اقدام به تحصن مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردند.

۲۹ تیر

برای هشتمین روز متوالی رانندگان اخراجی شرکت واحد با دست داشتن بنر در مقابل وزارت کار خواهان بازگشت به کار شدند.

۳۰ تیر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: تداوم بازداشت دستگیرشدگان روز جهانی کارگر را محکوم می‌کنیم

هشتاد و دومین روز بازداشت موقت بازداشت‌شدگان روز کارگر به نام‌های خانم‌ها «عاطفه رنگریز»، «ندا ناجی»، «مرضیه امیری» که به دلیل بیماری گوارشی در بیمارستان بستری است

در مهر و آبان سال گذشته دستگیر شده بودند، در شهرستان بجنورد برگزار شد.

تجمع اعتراضی آموزگاران نهضت سوادآموزی در پی درخواست اجرای مصوبه سال ۹۵ در راستای جذب نیروها، مقابل سازمان اداری استخدامی کشور.

۱۹ تیر

جمعی از معلمان تربت حیدریه حکم غیرمنصفانه قضایی، علیه حمید رحمتی، محکوم کرده و حمایت همه جانبه خود را از ایشان و دیگر معلمان زندانی اعلام داشتند.

۲۱ تیر

جمعی از معلمان استان آذربایجان شرقی در صعود به قله سهند حمایت خود را از معلمان زندانی اعلام داشتند.

۲۲ تیر

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) حکم ناعادلانه و قرون وسطایی «حمید رحمتی» را محکوم نمود و خواستار آزادی تمامی فعالان صنفی «معلمان و کارگران، زنان و دانشجویان و ...» زندانی شد.

۲۴ تیر

تجمع مربیان پیش دبستانی و معلمان حق التدریسی مقابل مجلس

زندانیان جنبش کارگری

۳ تیر

نتیجه دادگاه تجدیدنظر فعال صنفی دانشجویی، «لیلا حسین زاده» ابلاغ و تمامی اتهامات وی تأیید شد. دادگاه انقلاب ضمن کاهش اشد مجازات به دو سال و نیم حبس تعزیری، اعلام نموده است رأی صادره قطعی و غیر قابل بازگشت است.

از بازداشت شدگان روز کارگر «ندا ناجی» و «عاطفه رنگریز» در بند ۵ زندان قرچک، «مرضیه امیری» در بند نسوان زندان اوین و «آنیشا اسداللهی» در بند ۲۰۹ محبوس هستند.

«سعید رضایی» که در تجمع ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر دستگیر شده بود، به قرار تعلیق تعقیب به مدت ۶ ماه محکوم شد.

۴ تیر

جمعی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در اعتراض به ادامه بازداشت «مرضیه امیری» و حکم قضایی صادره برای «لیلا حسین زاده»، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تجمع کردند.

دانشجویان خواستار حضور مسئولین دانشگاه و پاسخگویی

و سی و چهارمین روز بازداشت «آنیشا اسداللهی»، مدرس زبان را قویاً محکوم می کند و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان می باشد. همچنین اتهامات وارده بر کلیه بازداشت شدگان روز کارگر لغو و همگی آنان باید تبرئه گردند. پیشتر از آن، ضروریست به فوریت «آئین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان» اجراء و محل نگهداری زندانیان سیاسی از مجرمان خطرناک جدا گردد. مسئولیت عواقب عدم جداسازی مطابق آئین نامه مذکور و صدمه و بروز هرگونه اتفاق ناگوار به زندانیان صنفی، سیاسی متوجه قوه قضاییه و مسئولین زندان می باشد.

فرهنگیان

۲ تیر

دوم تیر سال روز تولد «صمد بهرنگی» بر همه معلمان و آزادگان مبارک باد!

تجمع بیش از ۲۰۰ معلم خرید خدمتی از استان های مختلف از جمله قزوین، اصفهان، سیستان و بلوچستان مقابل مجلس

۹ تیر

«محمد حبیبی»، به خاطر ضعف بینایی سرانجام به بیمارستان فارابی اعزام و مورد رسیدگی پزشکی قرار گرفت.

ولی کماکان «محمد حبیبی»، که از ناحیه ساعد دست چپ به تومور استخوانی دچار است و در دوران تحمل حبس روز به روز وخیم تر شده و اندازه تومور او بزرگتر شده است، با وجود قبول هزینه های درمان توسط خانواده «حبیبی» و معلمان مبارز و انقلابی، از اسفندماه سال گذشته درخواست وی مبنی بر اعزام به بیمارستان بی پاسخ مانده است. علی رغم نگرانی از بدخیم بودن تومور و ریسک وجود سرطان، درخواست «محمد حبیبی» مبنی بر اعزام به بیمارستان بی پاسخ مانده است.

جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، در اعتراض به صدور حکم علیه همکار اصفهانی خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

با وقاحت و بی شرمی تمام برای «حمید رحمتی» یک حکم قرون وسطایی صادر شد.

«حمیدرضا رحمتی»، عضو کانون صنفی معلمان اصفهان، توسط دادگاه کیفری شهرستان شهرضا به تحمل ۳ سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق در ملاء عام و پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد.

۱۱ تیر

اولین جلسه دادگاه هفت نفر از اعضا و هیأت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، که در جریان تحصن معلمان

حومه به دیدار خانواده «آنیسا اسدالهی» رفتند.

۱۱ تیر

«امیرحسین محمدی فرد» ضمن نامه‌ای خطاب به قاضی مقیسه و باقری رئیس اندرزگاه چهار اعلام کرد، د چنانچه خود، همسرش و سایر متهمین هفت تپه تا تاریخ ۹۸/۴/۱۳ مشمول آزادی با قید وثیقه نه گردند، اعتصاب غذا خواهد کرد.

حمایت «اکبر معصوم بیگی»، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران از بازداشت شدگان روز کارگر:

«درخواست من این است که بی‌درنگ بازداشت شدگان روز کارگر را آزاد کنید! آن‌ها نه تنها هیچ جرمی مرتکب نه شده‌اند، بلکه به وظیفه انسانی‌شان عمل کرده‌اند».

حمایت فریبرز رییس دانا از بازداشت شدگان هفت تپه

«ساناز الهیاری»، «امیرحسین محمدی فرد»، «اسماعیل بخشی»، «امیر امیرقلی» و «سپیده قلیان» هدف‌شان آزادی همگانی‌ست و برای خوشبختی و به‌زیستی همگانی تلاش می‌کنند. چگونه ممکن است اینان امنیت ملی را به خطر بیندازند.

«دکتر ناصر زرافشان»، حقوق‌دان و عضو کانون نویسندگان ایران:

«رفتاری که با بازداشت شدگان شده به هیچوجه قانونی نیست. شکل برخورد با دانشجویان و کارگران بازداشت شده مایه تأسف است ... وظیفه دانشجو است که به فکر معیشت کارگران باشد. ... رفتاری که با بازداشت شدگان شده به هیچ وجه قانونی نیست».

حمایت «کیوان صمیمی»، روزنامه نگار و سردبیر نشریه ایران فردا، از بازداشت شدگان روز کارگر.

«باید به این ستارگان درخشان و فانوس‌های روشن جایزه داد، نه اینکه دستگیر کرد. آنها راه عدم انفعال و عدم ناامیدی را به همه نشان می‌دهند». «کیوان صمیمی» خود در روز یازده اردیبهشت و در تجمع روز کارگر در مقابل مجلس بازداشت شد و بیش از یک ماه و نیم در بند ۲۰۹ زندان اوین بازداشت بود.

بیش از ۵۶۰ تن از روزنامه نگاران و اهالی رسانه، طی نامه‌ای به سران سه قوه و نمایندگان مجلس، خواهان رسیدگی به وضعیت «مرضیه امیری» و «مسعود کاظمی»، دو تن از روزنامه نگاران بازداشتی و آزادی آنها شدند.

۱۳ تیر

متعاقب اعلام اعتصاب غذای «امیرحسین محمدی فرد»، «ساناز الهیاری» نیز رسماً اعلام کرد به همراهی «امیرحسین» و تا زمان آزادی خود و همسرش و سایر زندانیان هفت تپه اعتصاب غذا خواهد کرد.

نسبت به وضعیت «مرضیه امیری» و سایر دانشجویان تحت حکم این دانشکده شدند و تأکید کردند در صورت عدم پاسخگویی مسئولین و بی‌نتیجه ماندن مطالبات، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

۵ تیر

اعتراض عفو بین‌الملل به رفتار «بی‌رحمانه» با خانواده قربانیان کشتار ۶۷

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای جمهوری اسلامی را به نقض سازمان‌یافته «ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی» در رابطه با خانواده‌های قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ متهم کرد.

۶ تیر

دومین روز تجمع دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در اعتراض به وضعیت نامعلوم «مرضیه امیری» و حکم «لیلا حسین‌زاده».

«کمیته پیگیری بازداشت‌ها» متن هشدار به سازمان زندان‌ها پیرامون وضعیت نگهداری بازداشت شدگان؛ تجمع مسالمت‌آمیز ۱۱ اردیبهشت در مقابل مجلس به «کمپین بازداشت شدگان روز کارگر» ارسال کرده است که در این هشدارنامه آمده است: «نگهداری برخی از این جوانان در کنار زندانیان مرتکب قتل، به شدت خطرناک و مغایر با آیین نامه سازمان زندان‌ها است».

نگرانی شدید دیگر، هم‌بندی با مبتلایان به هپاتیت و سل می‌باشد که ضرورت پایان‌دادن سریع به این بازداشت را پیش از وقوع مجدد فاجعه‌ای که اخیراً جامعه و نیز رئیس قوه قضائیه را نگران کرده است، دو چندان می‌کند».

۷ تیر

در واکنش به دستگیری چهار تن از فعالان زن در روز جهانی کارگر و دیگر بازداشت شدگان جنبش کارگری، دیده‌بان حقوق بشر گزارشی را منتشر و بازداشت آنان را محکوم کرده است.

۹ تیر

فعالین کارگری و دانشجویی تبریز، طی یک بیانیه، ضمن محکوم کردن بازداشت‌های سرکوب‌گرانه فعالین کارگری هفت‌تپه، اعضای تحریریه نشریه گام و بازداشتیان روز کارگر، از جمله «ندا ناجی»، «عاطفه رنگریز»، «مرضیه امیری» و «آنیسا اسدالهی»، خواهان آزادی بی‌قید و شرط آن‌ها گشتند.

۱۰ تیر

جمعی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و

درخواست‌شان از طرف عوامل ذی‌صلاح صورت نه‌گرفته است.

شرایط جسمی «ساناز» و «امیرحسین» به هیچوجه برای ادامه اعتصاب مناسب نیست و خطری جدی سلامت آنان و بخصوص «ساناز الهیاری» را تهدید می‌کند.

بی‌توجهی به خواسته قانونی و برحق «ساناز الهیاری» و «امیرحسین محمدی فرد» با هدف مشخص برای آسیب فیزیکی و آزار آنان انجام می‌شود و همین امر خانواده و رفقای آنان را شدیداً نگران کرده است.

۲۲ تیر

شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران طی بیانیه‌ای بازداشت‌های روز کارگر را محکوم و خواهان رسیدگی هر چه سریع‌تر به پرونده «مرضیه امیری» و دیگر بازداشتی‌های روز کارگر شد.

۲۳ تیر

جمعی از اعضای هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران با خانواده «ساناز الهیاری» و «امیرحسین محمدی فرد»، دیدار و ضمن تأکید بر حق آزادی نامحدود بیان، ضرورت اتحاد همه فعالین اجتماعی علیه سرکوب را خاطر نشان کردند و همبستگی خود با درخواست آزادی بی‌قید و شرط زندانیان هفت‌تپه را اعلام داشتند.

در یازدهمین روز اعتصاب غذای «ساناز الهیاری» و «امیرحسین محمدی فرد»، جمعی از دوستان، معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی برای ابراز همبستگی با خواسته برحق زندانیان هفت‌تپه به دیدار خانواده آنان رفتند.

۲۴ تیر

جمعی از فعالین حقوق زنان با خانواده «مرضیه امیری» و «ندا ناجی» دیدار کردند و خواهان آزادی بازداشت‌شدگان روز کارگر شدند.

جمعی از فعالین کارگری گیلان ادامه بازداشت فعالین کارگری هفت‌تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آنها و همه فعالین سیاسی و اجتماعی شدند.

فعالان کارگری و اجتماعی شهر سنندج ضمن حمایت از مطالبات و خواسته‌های زندانیان نیشکر هفت‌تپه و اعضای نشریه گام، هرگونه پرونده‌سازی و بازداشت برای این عزیزان را محکوم کردند.

۲۹ تیر

اتحادیه کارگران قطار، کشتیرانی و حمل و نقل بریتانیا: همبستگی خود را با بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر اعلام

سازمان عفو بین‌الملل خواستار آزادی بدون قید و شرط «امیر امیرقلی»، «ساناز الهیاری» و «امیرحسین محمدی فرد»، خبرنگاران نشریه گام شد.

جمعی از فعالان کارگری و اجتماعی شهر سنندج، که خواستار برداشته شدن برخوردهای پلیسی و اتهامات امنیتی در قبال اعتراض‌های برحق کارگران و فعالان کارگری حامی آنها و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان هفت‌تپه شدند.

شورای بازنشستگان ایران ادامه سیاست سرکوب، از جمله ترفند امنیتی کردن اعتراضات معیشتی و پرونده‌سازی برای فعالین اعتراضات اجتماعی را به شدت محکوم کرد و خواهان توقف احضاریه‌ها و پایان دادن به رویه قضائی و امنیتی برای فعالین صنفی-اجتماعی شد.

۱۵ تیر

«عاطفه رنگریز» و «ندا ناجی»، دو تن از بازداشت‌شدگان روز کارگر توسط نگهبانان زندان قرچک ضرب و شتم شدند و «سپیده قلیان» با مجرمان خطرناک در یک محل نگهداری می‌شوند و نگرانی جدی در مورد امنیت و سلامتی‌شان وجود دارد.

۱۶ تیر

«سپیده قلیان» در مقابل دفتر مدیریت زندان قرچک ورامین در اعتراض به ضرب و شتم زندانیان سیاسی، فضای ملت‌هت زندان، قطعی آب و نبود کولر دست به تحصن زد.

۱۸ تیر

«امیرحسین» و «ساناز» به قصد اتمام بازداشت خود و زندانیان هفت‌تپه و برای اعتراض به بلاتکلیفی خود در زندان، در ششمین روز اعتصاب غذا به سر می‌برند.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا اعتراض خود را به حبس ناعادلانه و محاکمه بازداشتیان روز کارگر اعلام داشت و خواهان آزادی و رفع تعقیب فعالان کارگری و دانشجویان زندانی شد.

۲۰ تیر

هشتمین روز اعتصاب غذا

«ساناز الهیاری» که با وجود بیماری قلبی، ضعف عمومی شدید و لرزش اندام‌ها وارد اعتصاب غذا شده بود، در دو روز گذشته دچار ضعف شدید و افت فشار خون شده و پس از انتقال به بهداری اوین از دریافت سرم و دارو ممانعت کرده است.

«ساناز الهیاری» و «امیرحسین محمدی» در اعتراض به تداوم بازداشت غیرقانونی متهمین هفت‌تپه از هفته گذشته در اعتصاب غذا هستند و در این مدت هیچ اقدامی جهت بررسی

می‌داریم.

فعالان «اتحادیه کارگران قطار، کشتیرانی و حمل و نقل بریتانیا» (آرام تی) در بخش غرب مترو لندن، همبستگی خود را با «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان» و دیگر زندانیان سیاسی اعلام کردند و خواهان آزادی آنان شدند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران در همبستگی با کمپین آزادی کارگران زندانی نیشکر هفت تپه بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است «جنبش مطالباتی کارگران هفت تپه با زندانی کردن «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان»، «ساناز الهیاری»، «امیر امیر قلی» و «امیر حسین محمدی فرد» پایان نخواهد یافت».

۳۱ تیر

تعدادی از انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کردستان در حمایت از بازداشت‌شدگان هفت تپه بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه آمده است: «ما، انجمن‌های صنفی کارگران ساختمان به عنوان امضاءکنندگان این بیانیه ضمن اعلام حمایت از مطالبات برحق کارگران و مدافعین آنها، برخورد‌های امنیتی با حق‌خواهی کارگران و فعالین کارگری را قویاً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان هستیم».

بازنشستگان

۲ تیر

گروه اتحاد بازنشستگان در مطلبی به درستی، به ضرورت ایجاد یک تشکل فراگیر و سرتاسری اشاره کرده و در پایان اعلامیه خود آورده است: «شواهد موجود نیز نشان می‌دهد رویه کابینه و مجلس در برابر بازنشستگان به همین شکل ادامه خواهد داشت و بنابراین به جز تشدید مبارزه و گسترش آن، به جز اتحاد و سازماندهی اعتراضات متحدانه و سرتاسری و در عین حال اتحاد و پیوند جنبش اعتراضی بازنشستگان با جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اعتراضی راه دیگری در برابر بازنشستگان باقی نمانده است».

۴ تیر

شماری از کارگران بازنشسته هتل لاله تهران با اجتماع مقابل ساختمان هتل، خواستار دریافت مطالبات سنواتی خود شدند.

۱۱ تیر

شورای بازنشستگان ایران با صدور اطلاعیه‌ای احضار فعالان کارگری را محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است که: «شورای بازنشستگان ایران ادامه سیاست سرکوب، از جمله ترفند امنیتی کردن اعتراضات معیشتی و پرونده‌سازی برای فعالین اعتراضات اجتماعی را بشدت محکوم کرده و خواهان

توقف چنین احضاریه‌ها و پایان دادن به رویه قضائی و امنیتی برای فعالین صنفی-اجتماعی است».

۱۲ تیر

تجمع بازنشستگان در میدان فاطمی

«فریاد فریاد از این همه بی داد!»، «درمان رایگان، حق همه مردم است!»، «غارت صندوق‌ها را پایان دهید و اموال ما را برگردانید!».

تجمع اعتراضی بازنشستگان آپ پارک شهر و دیگر پیشکسوتان در مقابل صندوق بازنشستگی

۱۸ تیر

دعوت به تجمع اعتراضی بازنشستگان در مقابل وزارت کار و رفاه اجتماعی در تاریخ سه شنبه ۲۵ تیرماه ۹۸ ساعت ۱۰ صبح. «ما بازنشستگان تا بازپس گرفتن اموال و کنترل بر صندوق‌های بازنشستگی، دستیابی به درمان رایگان (حذف بیمه‌های بی‌خاصیت و پرهزینه)، حقوق متناسب با زندگی استاندارد توأم با رفاه و آسایش و برداشتن اهرم فشار از روی فعالین، کوتاه نخواهیم آمد. برای آنکه نشان دهیم که دروغ‌ها و وعده‌های فریبکارانه را نمی‌پذیریم، بار دیگر در کنار هم خواهیم ایستاد و مطالبات به حق خود را تمام‌قد فریاد خواهیم زد».

۲۵ تیر

جمعی از بازنشستگان کشوری با درخواست بهبود سطح مستمری‌ها، ارتقای خدمات درمانی و بیمه‌ای و صیانت از اموال صندوق‌ها، مقابل وزارت کار تجمع کردند.

شورای بازنشستگان ایران در بیانیه‌ای اعلام کرد که تجمع امروز همزمان با روز تأمین اجتماعی برگزار شده است و نوشت که «از تأمین اجتماعی برای بازنشستگان جز نام و عنوانی دیگر چه مانده است؟». «کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد!»، «حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی!»، «کارگر، معلم، دانشجوی زندانی آزاد باید گردند!»، «تشکل، تجمع، سندیکا، حق مسلم ماست!».

کشاورزان

۱ تیر

جمعی از کشاورزان برنج کار روستاهای مسیر کرخه تا هویزه در اعتراض به کم آبی در مقابل شرکت آبفای کرخه شاوور در شهرستان حمیدیه استان خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند. این کشاورزان خواستار تأمین حق آب مورد نیاز برای شالیزارهای برنج خود هستند.

۵ تیر

شهرداری

۱۲ تیر

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آغاجری (خوزستان) نسبت به عدم واریز ماه‌ها معوقات مزدی خود، مقابل ساختمان شهرداری.

۲۳ تیر

کارگران شهرداری منجیل در اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب‌افتاده، سنوات و عیدی پایان سال ۹۷ خود در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی دست به برگزاری تجمع اعتراضی زدند.

کارگران بخش‌های مختلف

۱ تیر

جمعی از کارگران اخراج شده شرکت ماهی کارون شوشتر، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

۳ تیر

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نامی طیور استان گلستان به دلیل عدم دریافت چندین ماه حقوق.

حدود ۲۵ کارگر شرکت غله استان همدان با حضور در مجلس، اعتراض‌شان را نسبت به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق اعلام داشتند.

۵ تیر

پرسنل شرکت خارادرژ، پروژه احداث کانال انتقال آب به دریاچه ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق شان دست از کار کشیده و تجمع کردند.

۹ تیر

تجمع کارگران کارخانه قند فسا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، مقابل فرمانداری فسا.

جمعی از کارکنان شرکتی دانشگاه بناب در اعتراض به تعدیل نیرو در این دانشگاه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۱ تیر

تجمع اعتراضی نیروهای شرکتی دانشگاه علوم پزشکی لرستان بعلت عدم پرداخت معوقات آن‌ها طی سه ماه گذشته و همچنین عدم اعمال افزایش حقوق و شرایط شغلی نامناسب.

کارکنان اداره آب و فاضلاب روستایی شادگان در اعتراض به پرداخت نشدن بیمه خود دست از کار کشیده و اعتصاب

کشاورزان شهرستان لنجان واقع در استان اصفهان در اعتراض به بستن آب رودخانه زاینده رود در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

۹ تیر

حدود ۷۰ نفر از شلتوک‌کاران روستاهای عرب حسن و عرب اسد از توابع بخش میان آب شهرستان شوشتر در اعتراض به کمبود آب برای آبیاری زمین‌های کشاورزی، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، دست به تجمع زدند

پالایشگاه

۱ تیر

کارگران واحد آب و برق، بخار و تعمیرات پالایشگاه آبادان در اعتراض به اخراج خود در مقابل درب ورودی پالایشگاه آبادان دست به تجمع زدند. پیمانکار واحد آب و برق، بخار و تعمیرات پالایشگاه آبادان بعد از اعتراض کارکنان این واحد برای دریافت مطالبات پایه سنوات خود ۱۰۰ نفر از آنها را اخراج کرد.

۶ تیر

کارگران شرکت پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان در اعتراض به اخراج همکاران خود دست از کار کشیدند و با اعلام اعتصاب تجمع اعتراضی خود را سازمان دادند.

راه آهن

۱۵ تیر

اعتصاب کارگران خط راه آهن زاگرس به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق.

۱۷ تیر

جمعی از کارگران عملیات نگهداری خط راه آهن در تبریز در اعتراض به تبعید سایر کارگران این حوزه به دیگر نقاط، مقابل ساختمان ناحیه خط راه آهن استان آذربایجان شرقی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۹ تیر

تجمعات اعتراضی کارگران راه آهن آذربایجان و کارگران راه آهن لرستان در اعتراض به پاسخ نگرفتن در مورد مطالبات‌شان، از جمله حقوق‌های عقب‌مانده و نداشتن امنیت شغلی همچنان ادامه دارد.

کارکنان معترض قطار شهری اهواز که ۱۶ ماه حقوق و عیدی معوقه دارند، مقابل شهرداری اهواز تجمع کردند



اعتصاب غذای من همفکری و هماهنگی ما علیه ظلم است

«سپیده قلیان» طی نامه‌ائی از زندان قرچک دلایل اعتصاب غذای خود را بدرفتاری مسئولان زندان با خانواده‌ها، انتقال پی‌درپی به زندان‌های متفاوت و حمایت از بازداشتیان روز جهانی کارگر و همبستگی با اعتصاب غذای «امیرحسین محمدی‌فرد» و «ساناز الهیاری» اعلام کرد.

حزب ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط «سپیده قلیان» و سایر زندانیان سیاسی است که به مناسبت همبستگی با کارگران در روز جهانی کارگر بازداشت شده‌اند و در زندان بسر می‌برند و برای آزادی آنها از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد.

دست رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از کارگران ایران کوتاه باد!

متن نامه:

«تجربه مشترک تمام آنهایی که زندان سیاسی و یا تهدید توسط نهادهای امنیتی را زیسته‌اند، این است که توسط این نهادها به زندانی و خانواده‌اش گفته می‌شود برای بدتر نشدن شرایط، از هرگونه رسانه‌ای کردن وضعیت پرهیز کنند.

این امر به وضوح تمایل نهادهای امنیتی به سکوت سرکوب‌شدگان را نشان می‌دهد.

از این نقطه‌نظر، سکوت در مقابل زندانبان، همراهی با او در برابر بایکوت خبری زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

رسانه‌های جریان اصلی و همسو با قدرت، نقش خود در

کردند.

۱۲ تیر

اعتصاب ۷۰ نفر از کارگران اداره آب و فاضلاب شادگان در اعتراض به عدم دریافت ماه‌ها حقوق و معوقات بیمه‌ای خود. تجمع اعتراضی نیروهای شرکتی دانشگاه علوم پزشکی لرستان در پی عدم واریز ۳ ماه معوقات نقدی و عدم اعمال افزایش حقوق.

تداوم اعتصاب کارگران سد کانی سب (پیرانشهر) در اعتراض به فقدان ۳ ماه حقوق خود.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه (شهرک صنعتی کاوه) در اعتراض به شرایط کاری و مرخصی‌های اجباری پس از اخراج ۱۰۰۰ کارگر در دو سال گذشته.

۱۵ تیر

جمعی از کارگران واحد تولیدی، صنعتی آذر آب اراک در اعتراض به معوقات مزدی خود، دست از کار کشیدند و در مقابل استانداری اراک، دست به تجمع زدند.

۱۹ تیر

تانک‌داران مرز میلک در شهرستان هیرمند در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به پایین بودن کرایه‌ها از روز شنبه ۱۵ تیر ۹۸ دست به اعتصاب زده‌اند.

کارگران کنتورسازی قزوین با خواست پرداخت حقوق معوقه و در اعتراض به عدم امنیت شغلی مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

شماری از کارگران پیمانکاری بندر ماهشهر با خواست رفع تبعیض در این مجتمع پتروشیمی دست به تجمع زدند.

۲۲ تیر

جمعی از کارگران کارخانه قند فسا در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود، مقابل فرمانداری شهرستان فسا دست به تجمع زدند.

کارگران و دیگر زحمتکشان به خوبی دریافته‌اند که مبارزه آنان بدون تشکل، اتحاد و مقاومت و جان‌فشانی به سر منزل مقصود نخواهد رسید و تا رسیدن به خواسته‌های برحق خود نمی‌بایست از تلاش دست بردارند، زیرا هیچ کسی غیر از خود طبقه کارگر فریاد ریشان نخواهد بود. اتحاد، مبارزه، پیروزی!

بیانیه حمایت فعالان کارگری و دانشجویی تبریز از بازداشتیان و کارگران هفت تپه

سرکوب فعالان کارگری دردی از بیماری لاعلاج و رو به تریاید «بحران سیستماتیک» را درمان نخواهد کرد. شعله‌های آتش افکنده شده بر کاخ ددخویان و سرمایه‌داران از یک سال پیش هنوز زبانه می‌کشد. داغ اعتصابات و شعارهای کارگران به ستوه آمده «نیشکر هفت تپه» چنان بر دل ستمگران مانده است که اکنون از در انتقام برآمده‌اند. آن‌ها در پی آنند که با صدور احکام سنگین و تعیین مجازات‌های غیرانسانی برای رهبران این اعتصابات، از جمله «اسماعیل بخشی»، «علی نجاتی» و دیگر هم‌راهان در بندشان: «سپیده قلیان»، «ساناز الیهیاری»، «امیرحسین محمدی فرد»، «امیر امیرقلی» و «عسل محمدی»، از کل طبقه‌ی کارگر ایران زهر چشم بگیرند. جنبش کارگران هفت تپه، فصل جدیدی از مبارزه علیه ستم طبقاتی از سوی کارگران برای احقاق حقوق این طبقه و ترجمان «ما»ی جمعی از جانب آن‌ها بود. این حرکت اعتراضی، ادامه‌ی راه آغاز شده توسط «شاهرخ زمانی»ها و «کورش بخشنده»ها بود که در سال‌های گذشته توسط فعالان کارگری دوام یافته و با پیوند و همراهی با جریانات دانشجویی و معلمان، در هفت تپه عینیت مضاعفی پیدا کرد. حرکت اعتراضی کارگران هفت تپه، نه تنها در اعتراض به حقوق معوق - منجر به گرسنگی - و خصوصی سازی - که معنای اصلی آن تاراج و ارزان‌فروشی اموال ملی به نفع عده‌ای ویژه‌خوار است - بلکه اعتراض به قوانین ضد کارگری و وضعیت زیسته‌ی کارگران و پنجاه میلیون مردمی است که زیست کارگری دارند.

بعد از اعتراضات سراسری دی‌ماه که اعتراض علیه گرسنگی و بیکاری از طرف تهیدستان بود، جنبش هفت تپه تاثیرگذارترین جریان بر علیه سیاست‌های اقتصادی حاکمیت، جریان‌های اعتراضی دیگر اعم از معلمان و دانشجویان و فریاد شعار «ما گرسنه‌ایم» بود. این حرکت آگاهی‌ساز و رهایی‌بخش فقط با سرکوب و بازداشت فعالین این جریان تلافی می‌شد تا از فراگیر شدن آن جلوگیری شود. اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و متعاقب آن اعتصابات کارگران فولاد ملی اهواز در سال گذشته، جنبش اعتراضی را عموماً و جنبش طبقه‌ی کارگر ایران را خصوصاً اعتلاء بخشید. «برآمد» و نمود عینی این اعتلاء، طرح شعار «نان، کار، آزادی - اداره‌ی شورایی» بود. «آن‌ها» زمانی که با این شعار مواجه شده و به عمق نقش سازمان‌گر آن - که البته گناهی‌ست نابخشودنی - پی‌بُردند، شروع به سرکوب کارگران و پرونده‌سازی برای فعالین و کارگران کردند.

بله! ترس ستمگران از طبقه‌ی کارگر ایران و علت برخورد فحری آن‌ها با فعالان این طبقه را باید در شعار فوق جستجو کرد. چرا که از سویی تک‌تک اجزاء این شعار، انعکاس شعار تاریخی و بر زمین مانده‌ی زحمت‌کشان بود - و دقیقاً به همین اعتبار نیز «محق» و از طرف دیگر نه می‌خواهند و نه حتی می‌توانند به این شعارها پاسخ مثبت بدهند. از این روی ستم فزاینده در دستور کار قرار می‌گیرد. اما این جنبش نیز ثابت کرده است ققنوس وار از خاکستر خود هر بار صدها ققنوس دیگری می‌زاید، روین‌تن‌تر از گذشته... ما فعالان کارگری و دانشجویی تبریز، ضمن محکوم کردن بازداشت‌های سرکوبگرانه‌ی فعالان کارگری هفت تپه، اعضای تحریریه‌ی نشریه‌ی گام و بازداشتیان روز کارگر، از جمله «ندا ناجی»، «عاطفه رنگریز»، «مرضیه امیری» و «آنیثا اسدالهی»، خواهان آزادی بی‌قید و شرط آن‌ها هستیم.

سلام و درودهای گرم ما از آذربایجان،

دیار صمد بهرنگی و شاهرخ زمانی

بر مقاومت دلیرانه‌ی کارگران نیشکر هفت تپه

برگرفته از کانال کمپ نیوز

سرکوب را با چشم‌پستن و سکوت در مقابل وضعیت ایفا می‌کنند.

اعتصاب غذا، انتخاب من نیست. اما در وضعیت زندان، این تنها ابزار زندانی برای شکستن سکوت، ولو در سطح محدود است. بنابراین ابتدا به ساکن با هدف اعتراض به فشارهای روزافزون بر زندانیان سیاسی و عقیدتی اعتصاب غذای خود را آغاز می‌کنم.

مساله دوم اعتراض به وضعیت خوفناک زندان قرچک و رامین است.

تحقیر مداوم توسط زندانبانان، نداشتن امنیت جانی، محرومیت از حداقل‌های بهداشتی و قطعی مداوم آب تنها گزاره‌هایی کوچک برای توصیف وضعیت این زندان هستند. آنچه که در این زندان بر ندا ناجی و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان یک می (روز جهانی کارگر) یاسمن آریایی، صبا کردافشاری، منیره عربشاهی گذشته است، دلیل مضاعف برای اعتراض به وضعیت زندان است. سلب حق ملاقات من با خانواده‌ام و تحمیل رنج مضاعف بر پدر و مادر پیرم، هر چند که سلب یک حق بدیهی و مسلم است. اما در قیاس با آنچه که در این ماه‌ها بر من و خانواده‌ام گذشت، در قیاس با صورت خونین برادرم مهدی هنگام دستگیری من در سی دی ماه، بی‌اهمیت جلوه می‌کند. با تکیه بر این دلایل، در همبستگی با ساناز الیهیاری که در زندان اوین شاهد رنج‌ها و دردهای او بودم و همچنین امیر حسین محمدی فرد، از صبح دیروز سه شنبه اول مرداد ۱۳۹۸ - اعتصاب غذا را آغاز کردم.

پیام اعتصاب غذا، هماهنگی و همفکری ما علیه ظلمی است که بر زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها روا داشته می‌شود.

«ندا ناجی نیز در اعتراض به رفتار پرسنل زندان با مادر و پدر سپیده قلیان و دیگر خانواده‌هایی که برای ملاقات به زندان قرچک مراجعه می‌کنند، در نامه‌ای به رئیس زندان اعلام کرد که تا زمان اجرای قانون تفکیک جرائم و انتقال به اوین، با خانواده خود ملاقات نخواهد کرد. روز سه شنبه ۱ مرداد در زمان ملاقات، پرسنل زندان قرچک بخاطر انگشتر پدر سپیده قلیان که از دست او خارج نمیشده با سپیده و خانواده او درگیر شده‌اند، این درگیری باعث می‌شود که ملاقات آنها نیمه کاره بماند. این درحالی ست که خانواده سپیده قلیان از شهر دزفول و طی مسافتی ۱۳ ساعته برای دیدار با دخترشان به تهران آمده بودند. سپیده قلیان در اعتراض به ظلم‌ها و بی‌حرمتی‌ها به خود و خانواده‌اش از سوی پرسنل زندان قرچک و همچنین انتقال متعددش به زندان‌های گوناگون، از یک مرداد دست به اعتصاب غذا زده است.»

زنده با همبستگی با کارگران و فعالین دربند کارگری و سایر زندانیان سیاسی!

<https://t.me/totoufan>

کانال رسمی تلگرام وابسته به حزب کار ایران - توفان



پیکار کارگران ایران علیه اختناق، خصوصی سازی‌ها و تحریم اقتصادی

دیدار و گفتگوی خبرنگار روزنامه «پرولترن»
(PROLETÄREN) – سوئد، ارگان مرکزی حزب
کمونیست سوئد شماره ۲۵

۲۶-۲۰ ژوئن ۲۰۱۹، «آگوست الیاسون» (August Eliasson) به مناسبت سفر «رضا شهابی» به پاریس برای شرکت در گنگره اتحادیه کارگری ث.ژت فرانسه، پیرامون جنبش کارگری ایران و فراز و فرودهای آن در شرایط فعلی و تحرک بزرگ اول ماه مه (روز جهانی کارگر امسال) در ایران و هزینه‌هایی که کارگران برای آن پرداختند و اثرات تحریم اقتصادی و تهدیدات نظامی آمریکا بر زندگی کارگران معمولی!

ARBETARKAMP I IRAN: MOT FÖRTRYCK, PRIVATISERINGAR OCH SANKTIONER
Den facklige aktivisten Reza Shababi har blivit en symbol för den kämpande arbetarklassen i Iran, som drabbas både av statlig repression och USA:s sanktioner. Proletären träffade den tystlåtna bussföraren som är på besök i Sverige för att samla stöd för kämpande arbetare.

«رضا شهابی فعال کارگری، به سمبل مبارزات طبقه کارگر ایران بدل شده است، طبقه کارگری که از یکسو تحت فشار

اتحادیه کارگری و مردمی

برزیل

از مقامات ایران درخواست پایان دادن به پی‌گردهای قضایی علیه بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر و فعالین کارگری هفت تپه و آزادی آنها شد.

کانلوتا-سی اس پی (اتحادیه کارگری و مردمی برزیل) به:
- رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه‌ای
- رئیس جمهوری اسلامی ایران، حسن روحانی،
- قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران
- شورای عالی حقوق بشر

موضوع: درخواست در مورد زندانیان سیاسی
کانلوتا-سی اس پی، اتحادیه کارگری و مردمی برزیل، از مقامات ایران مصراانه درخواست بازنگری در موارد زیر را دارد: تداوم حبس ۹ شهروند ایرانی، شامل ۴ زن که در رابطه با شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز روز جهانی کارگر امسال در تهران بازداشت شدند و ۵ فعال کارگری و روزنامه‌نگار که در ارتباط با اعتراضات مسالمت‌آمیز کارگران هفت تپه در جنوب غربی ایران در بازداشتند. اقدامات سرکوب‌گرانه ضد سندیکایی علیه سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که اعضای شان به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و قانونی زیر فشارها و تعقیب قضایی هستند. ما می‌دانیم که در اصول انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ حقوق شهروندی مانند حق تشکیل تجمعات مسالمت‌آمیز، تظاهرات و اعتصابات کارگری و همچنین حق تشکیل آزاده اتحادیه‌ها و سازمان‌های کارگری پیش‌بینی شده بودند، حقوق دموکراتیک که در رژیم شاه به رسمیت شناخته نمی‌شدند. ما همچنین آگاهیم که ایران زیر بار فشار تحریم‌های غیرقانونی آمریکا است و این باعث تضعیف اقتصاد ایران و بدتر شدن شرایط زندگی کارگران شده است. ما معتقدیم که این بازداشت‌ها و پی‌گردهای قضایی هم‌راستا با این تحریم‌های جنایت‌کارانه در ضدیت با مردم ایران عمل می‌کنند. بنابراین ما از مقامات ایران می‌خواهیم به این پیگردهای قضایی علیه فعالین کارگری پایان دهند و ۹ شهروند بازداشت شده با اسامی زیر را آزاد کنند:

«آنیسا اسداللهی»، «عاطفه رنگریز»، «ندا ناجی»، «مرضیه امیری»، «اسماعیل بخشی»، «سپیده قلیان»، «امیرحسین محمدی فرد»، «ساناز الهیاری»، «امیر امیرقلی».

با تشکر از توجه شما،

کانلوتا-سی اس پی

سائوپائولو، ۲۳ جولای ۲۰۱۹ (۱ مرداد ۱۳۹۸)

ترجمه و بازنشمار از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه •

غذا زد. پس از ۲۰ روز وی را از انفرادی به زندان معمولی منتقل کردند و از امکانات پزشکی برخوردار گردید. شکنجه تأثیرات خود را بر بدن «رضا شهابی» گذاشت. چندین مهره گردن و کمر وی مورد عمل قرار گرفت و امروز قسمت چپ بدن او تا حدی بی حس است.

«رضا شهابی» پس از دو سال و نیم رسماً محاکمه شد که طبق گفته خودش این امر نتیجه همبستگی بین‌المللی و فشار به دولت بوده است. وی سرانجام به جرم فعالیت و تبلیغ علیه امنیت کشور به ۶ سال زندان و ۵ سال ممنوعیت فعالیت سندیکیایی محکوم شد. وی مبارزاتش را در زندان علیه شرایط بد برای زندانیان ادامه داد. روسای زندان به من گفتند:

«رضا! وقتی بیرون از زندان هستی، تلاش می‌کنی جامعه را براندازی، وقتی در زندان به سر می‌بری سعی در برانداختن زندان می‌کنی. چکار باید با تو بکنیم!»

«رضا شهابی» در سال ۲۰۱۷ آزاد شد. وی اکنون به سبیل مبارزه کارگران در ایران بدل شده است و جایگاه او به عنوان اپوزیسیون سبب می‌شود که رژیم بخاطر ترس از اعتراضات مجدد کارگران، جرأت دستگیری وی را نداشته باشد. از این‌روی وی به رغم حکم ممنوعیت از فعالیت سندیکیایی به فعالیت‌اش ادامه می‌دهد؛ از جمله به خارج سفر می‌کند تا با اتحادیه‌های مبارز تماس برقرار کند. وی اخیراً بنا بر دعوت سندیکیای ت.ژ.ت برای سخنرانی به فرانسه سفر کرد.

شرایط کاری اتوبوس‌رانان ایران و سوئد متفاوت است، اما شباهت‌هایی نیز وجود دارد. آنجا و اینجا هر دو از سوی خصوصی‌سازی‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرند. «در ایران خصوصی‌سازی‌ها پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ آغاز گردید. در روستاها با مقاومتی روبرو نشدند، اما در تهران متوقف شدند. آنها علی‌رغم کلک‌ها و ساخت و پاخت‌های مختلف با شکست روبرو شدند. آنها اتوبوس‌ها را به «کوپراتیوهای کارگری» فروختند، تا کارگران به ظاهر خودشان مالک اتوبوس‌ها باشند! تلاش کردند رانندگان را جذب خط‌های محبوب با مزایای مختلف کنند. اما به رغم این‌ها همه خصوصی‌سازی‌ها منجر به افزایش قیمت بلیط‌ها بدتر شدن شرایط کارگران گردید». «رضا شهابی» در ادامه می‌گوید: «خصوصی‌سازی‌ها نوع جدیدی از برده‌داری است. در حالی که حقوق‌ها کاهش یافته، اما قیمت بلیط‌ها افزایش می‌یابند. این در حالی است که کارگران معمولی بیشترین مسافران اتوبوس‌های عمومی‌اند.

طبقه کارگر ایران فقط از سوی سیاست راست و تهدید و تعقیب علیه رهبران سندیکیایی آسیب نمی‌بیند، بلکه شرایطشان با تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران آسیب می‌بیند. «رضا شهابی» می‌گوید: «تحریم‌ها چیز جدیدی نیستند، ما با آنها از زمان جرج بوش زندگی کردیم، اما از زمان روی کار آمدن

حکومت جمهوری اسلامی و از سوی دیگر تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار دارد. «رضا شهابی» یکی از کارگرانی بود که اعتصاب کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد را سازماندهی کرد. وی به خاطر این مبارزه و برای بهبود شرایط معیشتی کارگران بهایی به مدت هفت سال زندان پرداخت. «رضا شهابی» از پیکار کارگران ایران و همین‌طور آسیب‌هایی که کارگران ایران از تهدیدات جنگی و تحریم‌های اقتصادی می‌بینند، سخن می‌گوید. این راننده کم حرف و محبوب به آرامی در مورد اعتصاب کارگران واحد برای بهبود شرایط زندگی که در سال ۲۰۰۹ صورت گرفت و وی بدین خاطر توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به زندان محکوم شد، تعریف می‌کند.

سندیکیای اتوبوسرانی تهران، سندیکیایی مستقل است که بعد از انقلاب بهمن ۵۷ عملاً به طور مخفی فعالیت کرده است. وی می‌گوید: «ما دو سندیکیا داریم که هم از دولت و هم از شرکت‌ها مستقل‌اند؛ یکی سندیکیای کارگران اتوبوسرانی و دیگری کارگران سندیکیای نیشکر هفت تپه در جنوب ایران است. ما این اتحادیه‌ها را با دستان خود و عرق و اشک‌های خود بنا کردیم و از همین‌روی مورد تعرض و اختناق رژیم قرار گرفته‌ایم».

در دسامبر ۲۰۰۵ «رضا شهابی» در سازماندهی اعتصابی برای بهبود شرایط زندگی کارگران دولتی شرکت واحد داشت. وی می‌گوید: «رژیم، ارتش را وارد میدان کرد تا وظیفه حمل و نقل مسافری را در سراسر شهر به عهده گیرد، اما بسیاری از مردم با ما ابراز همبستگی کردند و از سوار شدن اتوبوس‌های ارتش امتناع ورزیدند. موج اعتصاب می‌رفت که به یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات پس از انقلاب بهمن تبدیل شود. کارگران در ایران اعتصاب پیروزی‌هایی به دست آوردند. افزایش حقوق ۵۰ درصدی کارگران و همین‌طور چندین خواست دیگر مورد قبول شرکت قرار گرفت.

این دست‌آوردی مهم برای کارگران و خانواده‌های آنها بود. مضافاً اینکه این مبارزه الهام‌بخش سایر کارگران قرار گرفت. اما علی‌رغم این کارگران بهای سنگینی نیز پرداختند؛ حدود ۳۰۰ تن از کارگران اخراج و ۴۰۰ نفر بازداشت شدند. بیشتر آنها بعد از مدتی کوتاه آزاد شدند، اما ۱۹ تن از رهبران اتحادیه در زندان باقی ماندند».

بعد از اعتصاب ماه دسامبر ۲۰۰۵ مجدداً اعتصابات بر علیه دستگیری فعالین کارگری صورت گرفت. در ادامه این مبارزات بود که نیروهای امنیتی رژیم «رضا شهابی» را زیر نظر گرفتند. «من در سال ۲۰۰۹ در محل کارم، در حال رانندگی توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شدم». «رضا شهابی» به زندان اوین، که محل زندانیان سیاسی است، زندانی شد و به مدت ۱۹ ماه در بی‌خبری و تحت شکنجه قرار گرفت. وی در اعتراض علیه انزوا و برای ملاقات با پزشک دست به اعتصاب



فشار و ممانعت از برگزاری مراسم سالگرد احمد شاملو را قویاً محکوم می‌کنیم

گزارش کانون نویسندگان ایران

جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد احمد شاملو

«بار دیگر نیروهای امنیتی و انتظامی با قُرق گورستان امامزاده طاهر کرج از برگزاری مراسم یادبود نوزدهمین سال درگذشت احمد شاملو جلوگیری کردند.»

«روز گذشته دوم مرداد نوزدهمین سالگرد درگذشت احمد شاملو شاعر نامی و محبوب و عضو برجسته کانون نویسندگان ایران بود. به همین مناسبت کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای که چند روز پیش منتشر کرد، نوشت: «در نوزدهمین سالگرد درگذشت شاعر بزرگ آزادی، مانند هر سال، دوم مرداد ۱۳۹۸ ساعت شش عصر، در گورستان امامزاده طاهر کرج، گرد هم می‌آییم تا مزارش را گلباران کنیم.» اما چند ساعت پیش از آنکه اعضای کانون و دوست‌داران شاملو بر مزار او گرد آیند، مأموران امنیتی و انتظامی، زن و مرد، مجهز و پرشمار درهای گورستان را بستند و بر درگاه‌ها ایستادند تا از حضور افراد بر مزار شاملو جلوگیری کنند. به همین نیز بسنده نه کردند و جمعیت را، که کم‌کم بر تعداد آن افزوده و پشت در انبوه می‌شد، وادار کردند تا از گورستان دور شود. کمی دورتر اما باز جمعیت گرد آمد، پوسترهایی که کانون نویسندگان ایران به مناسبت این روز منتشر کرده بود زیر صدای تهدیدآمیز مأموران و کنار توقیف گوشی‌هایی که گمان می‌کردند با آنها عکس و فیلم گرفته شده، توزیع شد؛ عکس گرفتن و فیلم‌برداری برای شرکت‌کنندگان ممنوع بود، اما چندین مأمور لحظه به لحظه از اتفاق‌ها و حاضران عکس و فیلم می‌گرفتند که هم ابزار ایجاد هراس بود و هم امکانی برای

دونالد ترامپ بر علیه مردم تشدید شده است. این سیاست آسیبی به سران رژیم نمی‌رساند، بلکه این مردم معمولی‌اند که آسیب می‌بینند. «رضا شهابی» هیچ توافقی با تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران ندارد. وی می‌گوید: «سندیکای اتوبوسرانی تحریم و تهیدات جنگی علیه ایران را محکوم می‌کند. آمریکا به نام دموکراسی به کشورها حمله می‌کند، اما همواره این مردم هستند که بهای آن را می‌پردازند. جنگ‌هایی که آمریکا علیه عراق، افغانستان، لیبی و سوریه آغاز کرد، برای «رفاه» و «آزادی» نبودند. پشت این تهاجمات نظامی منافع اقتصادی پنهان است. تنش‌های جنگی اخیر علیه ایران، یک نمایش سیاسی بین‌ابرقدرت‌هاست. اما اگر تجاوزی صورت گیرد، طبیعی است که ما از کشورمان دفاع می‌کنیم.»

«رضا شهابی» می‌گوید: «همزمان که مردم ایران به صورت سخت از سوی تحریم‌های آمریکا صدمه می‌بینند، اما مبارزه برای حقوق سندیکائی هم ادامه دارد. برآمد کارگران در روز جهانی کارگر، روز اول ماه مه امسال علیه بی‌عدالتی‌های سیاسی اجتماعی از جمله از این دست است.»

«سندیکای ما متحداً با سازمان‌های دانشجویی و سازمان بازنشستگان در مقابل مجلس ایران دست به تظاهرات زدند. این آکسیون مشترک نوع نوینی بود که ما در خلال ۲۰ سال اخیر شاهدش نبوده‌ایم. اما بار دیگر مورد تعرض نیروهای امنیتی قرار گرفتیم و بسیاری بازداشت شدند.»

یکی از بازداشت‌شدگان «رضا شهابی» بود. وی یک هفته پس از دستگیری آزاد شد و راهی اروپا برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی پاریس گردید. امروز اما هنوز بسیاری از همکاران سندیکائی در زندان بسر می‌برند و «رضا شهابی» امیدوار به حمایت بین‌المللی از رفقایش است. «رضا شهابی» علی‌رغم تمام فشار و ضرب و شتم‌ها، اما هراسی به دل راه نمی‌دهد. وی در پایان چنین می‌گوید:

«تا زمانی که سرمایه حاکم است، مقاومت نیز وجود دارد. با اتکاء به نیروی مبارزاتی خود و همبستگی بین‌المللی به آینده بهتر برای طبقه کارگر ایران امیدواریم.»



افزایش ارزش ریال در برابر دلار!

تصمیم پولی ایران، مهمترین موضوع مذاکرات کی سینجر با زسکار دستن بود

با افزایش ارزش ریال در برابر دلار

نظام پولی جدیدی در دنیا بوجود آمد

شاهنشاه: اگر غرب تورم را مهار نکند قیمت نفت باز هم افزایش مییابد

دولت ۳۰ هزار تن میوه در سراسر کشور توزیع میکند

اطلاعات

شاهنشاه به زسکار دستن گفتند: ...

دولت ۳۰ هزار تن میوه در سراسر کشور توزیع میکند

زمانی با افزایش ارزش ریال در برابر دلار توانسته بودیم نظام پولی جدیدی در دنیا بوجود بیاوریم! و امروز دلار به ما میخندد

شناسایی. فشار مأموران برای پراکنده کردن جمعیت ساعتی طول کشید و در این مدت صدای آهسته‌ی خواهش‌شان به فریاد بلند تهدیدآمیز انجامید. در چهار سال اخیر، که بستن درها و ممنوعیت ورود اعضای کانون و دوست‌داران شاملو را بر فشارها و ممنوعیت‌های سابق افزوده‌اند، نخستین بار بود که در این مراسم کسی بازداشت نشد. دقیق‌تر اینکه تا تنظیم این متن گزارشی از بازداشت کسی نرسیده است. بار دیگر حاکمیت موفق شد برنامه‌ی بزرگ‌داشت شاعری محبوب و روشنفکری پیشرو را به هم بزند. اما «موفق» کیست؟ «موفقیت» چیست؟ برای پاسخی روشن خوب است کمی - فقط کمی - تاریخ واقعی را ورق بزنیم.

حزب کار ایران (توفان) ممانعت از برگزاری نوزدهمین سالگرد درگذشت احمد شاملو شاعر نامی و مترقی ایران و سیاست سرکوب و ارباب و ضرب و شتم را قویا محکوم می‌کند و این اقدامات وحشیانه را داغ ننگی بر پیشانی رژیم فرهنگ‌ستیز و ارتجاعی جمهوری اسلامی می‌بیند. باشد تا با مرگ این آدم‌کشان بی‌فرهنگ و تبهکار در فضایی آزاد و فارغ از ترس و ارباب مراسم باشکوهی برای شعرا و همه نام‌آوران و فرهیختگان ایران برگزار نماییم.

روزگار غریبی است نازنین

به یاد احمد شاملو در سالروز مرگش

دهانت را می‌بویند
مبادا که گفته باشی دوست می‌دارم.
دلت را می‌بویند
روزگار غریبی‌ست، نازنین
و عشق را
کنار تیرک راهبند
نازیانه می‌زنند.
عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد
در این بُن‌بستِ کج و پیچِ سرما
آتش را
به سوخت‌بار سرود و شعر
فروزان می‌دارند.
به اندیشیدن خطر مکن.
روزگار غریبی‌ست، نازنین
آن‌که بر در می‌کوبد شاهنگام
به کشتن چراغ آمده است.
نور را در پستوی خانه نهان باید کرد
آنک قضا بانند
بر گذرگاه‌ها مستقر
با کنده و ساتوری خون‌آلود
روزگار غریبی‌ست، نازنین
و تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند
و ترانه را بر دهان.
شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد
کباب‌قناری
بر آتش سوسن و یاس
روزگار غریبی‌ست، نازنین
ایلیس پیروزمست
سور عزای ما را بر سفره نشسته است.
خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد
۳۱ تیر ماه ۱۳۵۸
از مجموعه «ترانه‌های کوچک غربت»
احمد شاملو

«دلار هفت تومانی کجا، دلار ۱۰»

هزار تومانی کجا!»

«نگاهی به دوره گل و بلبل پهلوی و جعلیات ماهواره‌ای»

دوره گل و بلبل پهلوی موضوعی است که از سوی سلطنت‌طلبان در رسانه‌های برون مرزی، بویژه تلویزیون‌های «من و تو» و «ایران اینترنشنال» و رسانه‌های لوس آنجلسی و مجازی به صورت گسترده‌ای تبلیغ می‌شود و متأسفانه با توجه به وضعیت اسفناک اقتصادی ایران و فشار و سرکوب‌های وحشیانه سیاسی حاکم، بخشی از مردم به این توهم درغلتیده‌اند که گویا وضع مردم در زمان رژیم پهلوی خوب بوده و انقلاب بی‌مورد و جز مصیبت و بدبختی حاصلی نداشته است!

اخیراً بریده‌ای از روزنامه اطلاعات در عرصه مجازی منتشر شد و سخنش این بود که «در دهه پنجاه ارزش دلار برابر با هفت تومان پول ملی ایران بود» و در مقایسه با ارزش پول کنونی ایران، که هر دلار برابر با ۱۰ هزار تومان است، نشان می‌دهد که وضع در گذشته خوب بوده و بسیار بهتر از امروز بوده است. «حتا زمانی با افزایش ارزش ریال در برابر دلار توانسته بودیم نظام پولی جدیدی در دنیا بوجود آوریم!».

ایران کشید.

بنابر این نمی‌توان با توسل به یک قیاس ساده، که در عرصه مجازی برای مجاب کردن مردم ناراضی پخش می‌شود و «بهشت دوران پهلوی» را به خورد نسل جوان و مردم خسته می‌دهند، حقایق ناهنجار آن دوره را کتمان کرد و خماری احیای آن دوره تاج و تخت را کشید! این درست است که وضع امروز بسیار بدتر از گذشته است، اما قرار نیست مردم بین انتخاب بد و بدتر و مار غاشیه و عقرب جزاره یکی را انتخاب کنند! آنها که می‌گویند وضع معیشتی مردم خوب بود و فقط برای آزادی‌های سیاسی انقلاب کرده‌اند و نه مسائل اقتصادی عملاً در چشم مردم خاک می‌پاشند، ماهیت و اهداف انقلاب را کتمان می‌کنند. آزادی و عدالت اجتماعی دو مقوله جداناپذیر از یک دیگر هستند و انقلاب بهمن با هدف کسب استقلال سیاسی و استقرار جمهوری در مقابل شاه سر بلند کرد. بی‌دلیل نبود که خمینی زیرکانه و بنا بر مصلحت و منافع طبقه خویش از مسکن و آب و برق مجانی سخن گفت، تا زحمتکشان، پابهره‌ها، بی‌مسکنان و بی‌چیزان را به سوی خود جلب کند و چنین نیز کرد. نباید فراموش کرد که انقلاب بهمن نه از قم، بلکه از منطقه فقیرنشین تهران و خراب کردن خانه‌های نیمه ساخته مردم توسط رژیم پهلوی آغاز شد.

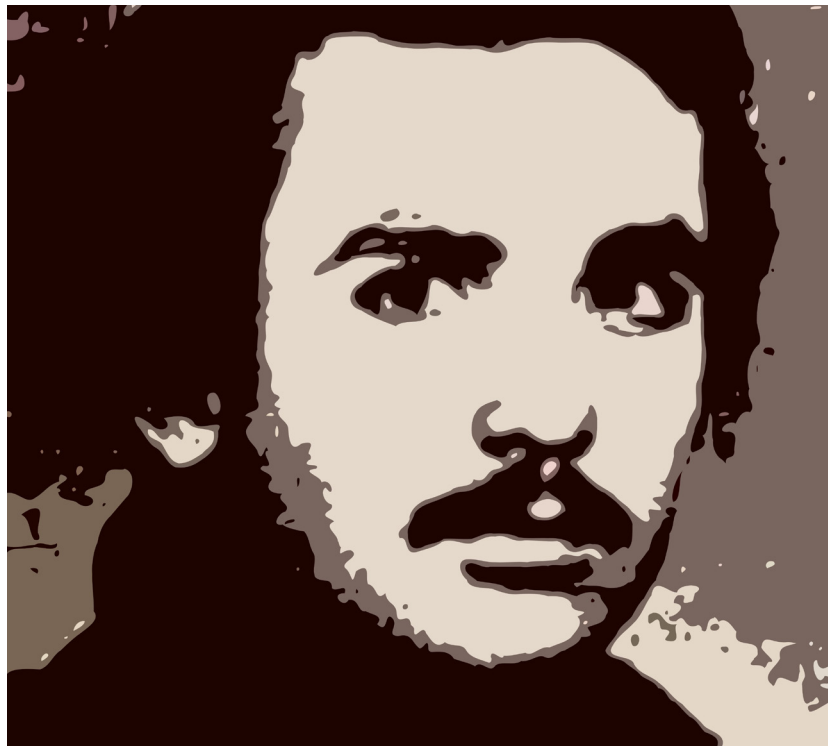
دوران گل و بلبل پهلوی دروغ است، جعل تاریخ برای فریب مردم ایران است. روشنفکران متعهد باید از سطح به ریشه روند تا به وظیفه روشنفکری و تعهد انسانی خود جامه عمل پوشند و حقایق را با اسناد و آمار در دید همگان قرار دهند. سلطنت برگشتنی نیست، انقلاب بهمن آنرا به گورستان تاریخ پرتاب کرد.

اگر این پرسش اینگونه طرح می‌شد، که وضع کشور در گذشته بد بوده و امروز بدتر است و در نتیجه به نفی دو نظام می‌انجامید، اشکالی در طرح صورت مسئله نبود. اما مقایسه بین خوب و بد مقایسه موزیانه‌ای است که می‌خواهد بحث را به «خوب» بودن اوضاع گذشته متمرکز سازد و به نتایج دلخواه و تطهیر رژیم گذشته و نفی و سرزنش انقلاب بهمن ۵۷ به پردازد و رژیم تبهکار و وابسته پهلوی را مترقی و مردمی جلوه دهد.

روشن است «خوب بودن وضع گذشته» باید با پارامترهای اقتصادی قدرت خرید مردم طبق دلاری هفت تومان آن زمان مورد سنجش قرار گیرد تا به یک نتیجه منطقی و منطبق با شرایط اقتصادی مزدبگیران و طبقات فرودست جامعه دست یابیم.

در نتیجه ارزش ریال و نرخ دلار در سطح ۷ تومان خود بخود بیانگر هیچ چیز نیست مگر اینکه با دستمزد متوسط اکثریت کارگران و زحمتکشان و حتا اقشار متوسط جامعه مورد ارزیابی قرار گیرد. آمارهای رسمی نشان می‌دهند، همان زمان که ارزش دلار برابر با ۷ تومان بود، حقوق متوسط کارگر کارخانه ارج، کارگر ساده ۴۰۰ تومان بود و حقوق کارمند با درجه سیکل ۴۵۰ تومان و یک فرد دیلمه ۵۵۰ تومان، و لیسانس ۱۴۰۰ تومان بود و نرخ کرایه خانه بیش از نیمی از حقوق را می‌بلعید. به آمارهای رسمی وزارت کار و امور اجتماعی سال‌های ۵۱ و ۵۳ در روزنامه اطلاعات و سایر مجلات اقتصادی داخلی رجوع کنید!

منهای شرکت نفت که رژیم به کارگران برای ممانعت از اعتصاب بطور نسبی بهتر می‌رسید و از امکانات بهتری برخوردار بودند، در کل هفتاد درصد مردم زیر خط فقر می‌زیستند. طبق آمار منتشره در روزنامه‌های رسمی کشور در سال ۱۳۵۵، ۶۹ درصد مردم بیسواد بودند. و در بین زنان روستایی، نرخ بیسوادی ۹۰ درصد بود. تنها سه درصد از روستاهای ایران دارای برق و آب آشامیدنی سالم بودند. قیمت اتوموبیل پیکان در سال ۵۰-۵۲، ۲۵-۲۰ هزار تومان بود و یک کارمند می‌بایست بیست سال حقوقش را پس‌انداز می‌کرد تا بتواند ماشین داشته باشد! حال چگونه می‌توان از قدرت خرید کارگری که حقوقش در آن زمان ۴۰۰ تومان درماه بود با دو الی سه فرزند وزیر یک سقف دو اتاقه بدون کمترین امکانات بهداشتی و تفریحی و پرداخت نیمی از حقوق بابت اجاره‌خانه پرداخت می‌شد، به خوبی یاد کرد و نرخ دلار هفت تومان را به رخ ملت محروم بویژه نسل جوان



یادی از رفیق شاهرخ اسفراینی

رفیق شاهرخ اسفراینی زندگی سیاسی‌اش را از روزهای انقلاب آغاز کرد. وی یکی از رهبران دانش‌آموزان و از مؤسسين جامعه دانش‌آموزان بجنورد بود و اولین تظاهرات ضدسلطنتی دانش‌آموزان و دبیران بجنورد توسط او و دوستان‌اش از «دبیرستان دانش» به پاخواست. رفیق، روحی سازش‌ناپذیر داشت؛ او با تمامی مسئولین آموزش و پرورش، که سد راهش می‌شدند، مقابله می‌نمود و بارها به همین دلیل از مدرسه اخراج شده بود و از همین طریق تشکیل جلسات دانش‌آموزی را در سالن دبیرستان خویش کسب کرده بود. او و چندین دوستش به عنوان گردانندهی آکسیون‌های ضد رژیم شناخته شده بودند. ساواک که فکر می‌کرد با دستگیری این محرکین اصلی می‌تواند حرکت خروشان خلق را خاموش سازد، حدود ۱۲ تن از دانش‌آموزان و دانشجویان را از جمله رفیق شاهرخ را دستگیر نمود. اما همزمان آنها در آموزش و پرورش بست نشستند که منجر به آزادی شاهرخ گشت و در همان تحصن بود که رفیق شاهرخ سخنرانی کرد و گفت: «ما در زندان مانند شما مبارزه می‌کردیم و یک آن شعار دادن از یادمان نمی‌رفت». روز پیروزی انقلاب، رفیق شاهرخ از جوانان فعالی بود که طرح حمله به شهربانی را پی‌ریزی کردند. با فرار شاه و رسیدن دوران حفاظت از دستاوردهای انقلاب از افرادی

بود که شب تا صبح به پاسداری از محله خویش مشغول بود.

پس از افشاشدن هر چه بیشتر ماهیت واقعی جمهوری اسلامی به سازمان مجاهدین خلق پیوست. اما روح رزم‌جو و پویای او راهی را می‌جست که به درستی قوانین تکامل جامعه را بیان نموده و قاطعانه طرفداری خویش را از حکومت طبقه‌ی زحمتکش اعلام دارد و این تفکر را در تشکیلات مارکسیستی – لنینستی حزب کار ایران یافت و از تابستان ۵۹ به فعالیت خویش در بخش کارگری حزب در بجنورد مشغول گشت.

رفیق، رادمردی بود که سرسختی بی‌پایانی از خود نشان می‌داد و هیچگاه تسلیم زور نمی‌شد. وی به خاطر برخورداری از این روحیه بارها با حزب‌الله‌ای‌هایی که اقدام به پاک‌نمودن شعارهای حزب می‌کردند، برخورد می‌کرد. او در حین انجام یک کار مشترک به رفقاییش گفته بود: «اگر احیاناً خطری پیش آید، شما بروید من می‌مانم و مهمی تقصیرها را به گردن می‌گیرم». او در سندیکای صنفی – سیاسی نانوایان شهر عضویت داشت. این سندیکا می‌بایست حامی صدها کارگر خباز شهر می‌شد اما نفوذ حزب توده همیشه مانع فعالیت صحیح و سالم سندیکا بود و وظیفهی مبارزه با این سوسیال‌مزدوران همیشه به عهده این رفیق بود. رفیق از عهده این وظیفه چنان برآمد که در نتیجه هیچیک از کارگران به سیاست دلخوش‌کننده و فریبکارانه حزب توده تن نمی‌دادند. پس از تظاهرات ۲۰ خرداد که جو ترور و اختناق در شهر گسترده شد، رفیق شاهرخ مسئولیت برخی تظاهرات‌های شبانه حزب را به دفاع از دمکراسی برعهده داشت، ولی هیچگاه آنچنان که دستگاه‌های دروغ‌پردازی رژیم اعلام کردند، در حین برخورد با پاسداران دستگیر نشده و یا رابط مجاهدین نه‌بوده است. رفیق شاهرخ در بی‌دادگاه‌های رژیم خود اعتراف نمود که هوادار حزب کار ایران است، چرا که عده‌ای او را به نام مجاهد می‌شناختند و سپس با تهدید به مرتجعین گفت: «روزی که من از زندان بیرون بیایم، همه شماها از بین رفته‌اید».

رفیق شاهرخ با حفظ شرف و مردانگی زیست و ایستاده مرد. زندانی رژیم شاه به دست جلادان جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹ مرداد ۶۰ به جوخه اعدام سپرده شد.

جاویدان باد خاطره رفیق شاهرخ اسفراینی
برگرفته از مرغان پرکشیده توفان، یادنامه‌یاز شهدای حزب کار ایران (توفان)

<http://toufan.org/Janbakhtegan/Janbakhtegan20%Toufan20160613%.pdf>

ایران دریغ نمی کرد.

با الهام از آرزوی مهپاره، «صندوق بنیاد غیر انتفاعی مهپاره» تأسیس گردید و نخستین کمک مالی از طریق خانواده‌ای رسید که هدایای نقدی جشن تولد خویش را، مستقیماً به صندوق این بنیاد غیرانتفاعی ریخت، با این پیام بود کمک‌های مالی ارزشمندی به نفع خانواده‌های فعالین کارگری و زندانیان سیاسی و اخیراً به خانواده‌های سیل‌زدگان ایران جمع‌آوری گردید. این راهی است که رفیق مهپاره به ما نشان داد، تا با یاد او و به نام «بنیاد مهپاره» با برگزاری هر مراسمی نه اگر همه، بلکه حتی بخشی از آن هدایای مالی را به نفع نیازمندان اجتماعی، تحت تعقیب‌بودگان سیاسی، قربانیان آسیب‌های اجتماعی، مستقل از ایدئولوژی، اعتقادات دینی به عنوان ایرانی میهن دوست و علاقمند به مردمان وطن مان به مصرف برسانیم. با الهام از این پیام انسانی بود که حزب ما به مناسبت‌های مختلف تحت نام «بنیاد مهپاره» کمک مالی جمع‌آوری کرده و مستقیماً در اختیار هموطنان نیازمند قرار داده است. این کمک‌ها همچنان ادامه دارد.

ما در دومین سالگرد درگذشت رفیق مهپاره باری دیگر سوگند یاد می‌کنیم که شالوده بنیادی را که او برپاداشت به نام خودش و با الهام از روحیه انسانی و انترناسیونالیستی او حراست کنیم و از «بنیاد غیرانتفاعی مهپاره» که هنوز هم مردم به آن کمک مالی می‌کنند، منبعی سازیم که دست نیازمندان را بگیرد و سرمشقی برای همه زندگان باشد، تا از غیبت خود در آینده ستونی به‌سازند که بر تارک آن نوری به‌درخشد که برای همه درخشان باشد.

یاد و خاطره رفیق مهپاره جاودان و راهش پر رهرو باد!
حزب کار ایران (توفان)

۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ •



به مناسبت دومین سالگرد درگذشت رفیق مهپاره آهنی

دو سال از درگذشت رفیق نازنین ما، «مهپاره آهنی»، این نماد مهربانی، پس از نبردی طولانی و دردناک بین مرگ و زندگی، می‌گذرد. وی روز پنجشنبه ۲۰ ژوئیه آگاهانه بدرود حیات گفت و جاودانه شد.

رفیق مهپاره آهنی، مه‌پاره‌ای از آهن بود، مه‌پاره‌ای از تبار کُرد که با همسر آذربایجانی‌اش از وحدت ایران و حقوق خلق‌های ایران حمایت می‌کرد. وی ضامن پیروزی را در وحدت طبقه کارگر و نه در تفرقه ملی آنها می‌دید. وی مرگ خود را با تدارکی آگاهانه برای بسیج عمومی مردم، برگزار کرد و ما می‌گوئیم که رفیق مهپاره تلاش تو سراپا موفقیت بود.

رفیق مهپاره، گوهری بود که راه رستگاری مردم ایران را برچیدن نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست کارگران و زحمتکشان ایران و استقرار آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم می‌دید. وی در راستای چنین هدف و آرمان‌والایی بود که فعالانه در آکسیون‌ها و تجمعات اعتراضی بر علیه تبعیض و سرکوب و ظلم و ستم در ایران شرکت می‌کرد و از هیچ کوششی در افشای فجایع رژیم جمهوری اسلامی در ایران و ابراز همبستگی با کارگران و زحمتکشان و همه آحاد مردم

کمک مالی

«لاله» از استک‌هلم به بنیاد مهپاره

۱۰۰ یورو

و قسمتی از آن هم تحت سلطه داعش قرار گرفت.

اکنون لیبی دارای دو دولت موازی است. «دولت وفاق ملی» که به طور عمده از جانب سازمان ملل حمایت می‌شود و «دولت موقت» که از سوی پارلمان «طبرق»، حامی «ژنرال حفتر» در شهر «البیضاء» در شرق این کشور تشکیل شده است. مصر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، روسیه و اخیراً فرانسه از «دولت موقت» ژنرال حفتر - که از مخالفین سرسخت اخوان المسلمین است - حمایت می‌کنند و می‌خواهند نفوذ خود را در شمال آفریقا افزایش دهند.

قطر و ترکیه، که حامی اخوان المسلمین به شمار می‌آیند و مخالف وهابیسیم هستند، به اضافه سایر کشورهای غربی از جمله ایتالیا، «دولت وفاق ملی» به رهبری «فائز السراج» را در کنف حمایت خود گرفته‌اند. «دولت وفاق ملی» علناً فرانسه را به پشتیبانی از «ژنرال حفتر»، که از چهارم آوریل گذشته به طرابلس حمله نظامی کرده است، متهم می‌کند. حمله نظامی که تاکنون ۲۰۰ کشته، ۱۰۰۰ نفر زخمی و ۱۸ هزار نفر آواره به بار آورده است، اکنون نفت لیبی با کمترین قیمت در اختیار شرکت‌های آمریکایی و اروپایی است!!

یازدهم برخی از احزاب سیاسی ایرانی تحت نام «چپ و کمونیست» برآمد شورشیان ارتجاعی و سلفی علیه رژیم قذافی تحت رهبری ناتورا به نام «انقلاب لیبی» تئوریزه کردند و مورد حمایت بی‌شرمانه خود قرار دادند. یکی از این جریانات ضد انقلابی حزب موسوم به «کمونیست کارگری، پیرو منصور حکمت شاخه تفوائیسیم» بود که وقیحانه از بمباران لیبی دفاع کرد و هنوز هم بر همین نظر استعماری خود پای می‌فشارد.

دوازدهم - حاصل تجاوز به لیبی چیزی جز نابودی زیرساخت این کشور، تاراندن قریب به دو میلیون انسان از خانه و کاشانه‌شان، ده‌ها هزار کشته و زخمی، جنگ داخلی و احیای استعمار در شکل نوین نبوده است. نیروهایی که از این تجاوز نواستعماری و ضدبشری دفاع کرده‌اند، از جمله جمهوری اسلامی، شریک این جنایت و نقض حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت ملت لیبی‌اند. امروز جمهوری اسلامی خود نیز تحت محاصره غرب و با همان ترفندهای امپریالیستی قرار گرفته است و در بحران و خطر تجاوز نظامی به سر می‌برد.

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است



لیبی را به ویرانه تبدیل کردند

یکم - لیبی را تحریم اقتصادی کردند و گفتند مذاکره هسته‌ای کنیم!

دوم - مذاکره هسته‌ای کردند و کل توان هسته‌ای لیبی از دست رفت!

سوم - آمریکا بازی درآورد و از توافق هسته‌ای با لیبی خارج شد!

چهارم - بعد از خروج آمریکا از توافق، تحریم‌ها شدت بیشتری گرفت!

پنجم - قذافی به دامان اروپا پناه بُرد و توافق مالی کردند و کانال مالی زدند!

ششم - اقتصاد لیبی تحت سیطره اروپا کاملاً ورشکست و نابود شد!

هفتم - اروپا بعد از نابودی اقتصاد لیبی از توافق خارج شد و اموال لیبی را مصادره کرد!

هشتم - مردم، که به شدت تحت فشار مالی بودند، برای اعتراض به سیاست دولت قذافی به خیابان آمدند (بهار عربی)

نهم - نیروهای وابسته آمریکایی وارد جریان اعتراض مردمی شدند و جریان را در دست گرفتند، اروپا هم با بمباران هوایی، ارتش لیبی را درهم شکست!

دهم - قذافی سرنگون شد و لیبی به صورت غیر رسمی تجزیه

تفکر که در ایران ما به شکل نفرت‌انگیزی در بین طبقه متوسط رواج دارد، آدمی را به یاد جمله معروف و رایج ایرانی‌ها می‌اندازد که «یارو حریف الاغ نیست، یقه پالان را می‌گیرد» بیشتر اعتراض‌شان به مردم و شصت سال به بالاهاست که «چرا انقلاب کردید و زندگی قبل از تولد و ایام کودکی‌شان را به تباهی کشیدید و یا شماها فاقد فن صحیح مبارزه هستید و غرق در خرافات مذهبی بوده و مردمانی بی فرهنگ و نادان و جاهلی هستید!» این ما خرده بورژواها هستیم که با فرهنگ و مبارزیم، ولی افسوس فعلا گرفتاریم و از ذیق وقت در رنج!

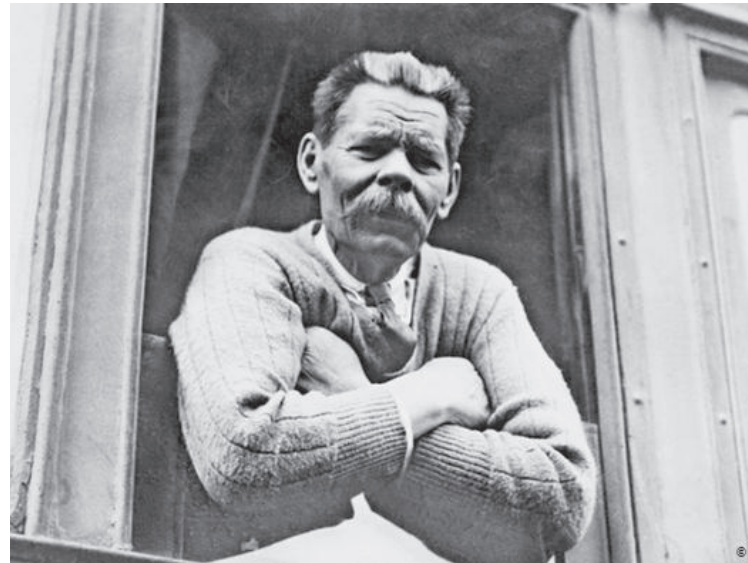
گورگی این گونه افراد پُرمدعا و پرگو از قشر خرده بورژوازی را چنین توصیف می‌کند: «از تمایل به راست شرم دارند و از پیوند با چپ وحشت! خود را به ظاهر در رنج مردم شریک می‌دانند ولی هدف اصلی‌شان برخورداری از میوه رنج و زحمت مردم است».

ماکسیم گورگی در این خصوص به داستایوسکی انتقاد می‌کرد که چرا به مردم رنجبر «تحمل» را توصیه می‌کند. و به تولستوی ایراد می‌گرفت که برای مردم موعظه می‌کند که «بدی را نباید با خشم و کین پاسخ داد». حمله به این دو نویسنده بزرگ، شجاعت و عشق به طبقات کارگر و زحمتکش می‌خواست، که گورگی هر دو را داشت. بدین خاطر لنین با قدرت از او دفاع کرد!

گورگی در تمام عمرش فقط چند ماه به مدرسه رفته بود، آنهم به یک مدرسه مذهبی.

او می‌گفت «من نه یک سیاست‌مدارم و نه یک فیلسوف! از راه دوست داشتن انسان‌ها به سوسیالیسم و مارکسیسم رسیده‌ام» در سال ۱۹۲۴ از مرگ لنین خبر یافت و در رثای او نوشت: «هنوز در دنیا کسی نیامده است که به اندازه او سزاوار جاودانگی باشد».

در پایان بادی کنیم از حافظ. «غلام آن کلماتم که آتش انگیزد / نه آب سرد زند در سخن بر آتش تیز»



(مفهوم خرده بورژوازی و به بیان دیگر، طبقه متوسط، از نگاه ماکسیم گورگی)

نگاه ماکسیم گورگی به خرده بورژواها، نگاهی عمیق، علمی، خواندنی و تحسین‌برانگیز است.

از دیدگاه گورگی، در مبارزات اجتماعی، دو نیروی متخاصم رو در روی هم قرار دارند. نیرویی متشکل از صاحبان سرمایه و حاکمان استثمارگر، که در حفظ موقعیت اجتماعی خود از هیچ جنایتی روگردان نیستند و بی‌اندازه غدار و بی‌رحمند! و نیروی دیگر، نیروی کارگران و زحمتکشان و تولیدکنندگان واقعی سرمایه‌اند که برای رهایی و پاره کردن زنجیر فقر و بندگی و استثمار پیکار می‌کنند! تضاد بین این دو نیرو، همان مفهوم آشنای تضاد بین کار و سرمایه است.

طبقه متوسط، یا همان خرده بورژواها، به هیچکدام از این دو اردوگاه تعلق ندارند. به عبارت دیگر نه اینوری هستند نه آنوری. افکار و عقاید خودشان را دارند. متکبر، پُرمدعا و خود را مغز متفکر و تافته جدا بافته می‌دانند! گاهی به حکومتیان می‌تازند و گاهی، اما بیشتر، به توده مردم ناسزا و بدویی راه می‌گویند! همواره در بیرون از گود مبارزه، فریاد لنگش کن شان بلند است. از آنجائی که مبارزه مابین ستمگران و ستم‌شوندگان، پیکاری نابرابر و خون‌آلود است و اغلب شکست نصیب شورش‌گران می‌شود، فریادشان بیشتر بر سر مردم بلند است تا بر سر سرکوب‌گران. چون مردم مبارزه نیستند، دوست دارند که خلق با معیارهای آنان، که معیاری اعوجاج است، عمل نمایند. توقع دارند که زندگی آرام‌شان دست‌خوش ناملایمات نه گردد و دیگران برای آزادی و دموکراسی هزینه به‌دهند. این نوع



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



موقعیت آماده سازی جنگ علیه

ایران

افزایش احتمال وقوع جنگ جدیدی در خلیج فارس وجود دارد، با این حال ایالات متحده نه وزیر دفاعی دارد و نه متحد مشتاقی!

مقاله‌ای از مالت دانیلوک در «هایزه آنالین»

در هفته‌های گذشته باری دیگر شاهد تشدید تنش‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران بودیم. نقطه اوج این تنش‌ها توقیف سوپر تانکر نفت کش ایرانی بنام «گریس ۱» است. این اولین باریست در تاریخ که یک نفت کش در آب‌های آزاد جهان به بهانه تحریم متوقف می‌شود.

مقامات دولتی بریتانیا متوقف ساختن کشتی «گریس ۱» را تاکنون به بهانه آنکه کشتی راهی سوریه بوده است، توجیه کرده‌اند. چنین عمل کردی اما بدون هیچ پایه و اساس قانونی بوده است، زیرا اتحادیه اروپا هیچ تحریمی را تاکنون علیه ایران وضع نکرده است، تنها طبق تصمیم سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا، تحریم‌هایی علیه سوریه تصویب شده بودند، که مانع از بازسازی خرابی‌های مزدوران جهادی و داعشی در کشور می‌شوند و این تحریم‌ها هنوز به قوت خود باقی هستند. یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه اقدامات مقامات انگلیس این است که دولت جبل الطارق در روز سوم ژوئیه ۲۰۱۹ قوانین جدید «اعمال تحریم‌ها» را تصویب کرد و تنها یک روز بعد یک ناوگان انگلیسی با ۳۰ نفر نیروی ویژه نیروی دریایی بریتانیایی همراه پلیس جبل الطارق تانکر ایرانی را متوقف ساختند. با تکیه بر همین قانون تحریم‌ها دادگاه حکم دستگیری

کاپیتان و افسر ارشد کشتی را صادر کرد و تأیید کرد کشتی تا ۲۱ ماه جولای ۲۰۱۹ اجازه حرکت نخواهد داشت. لازم به تذکر است که این حکم‌ها تحت عنوان اینکه کشتی فوق راهی بندر بانیاس (سوریه) بود، صادر و کشتی متوقف شد.

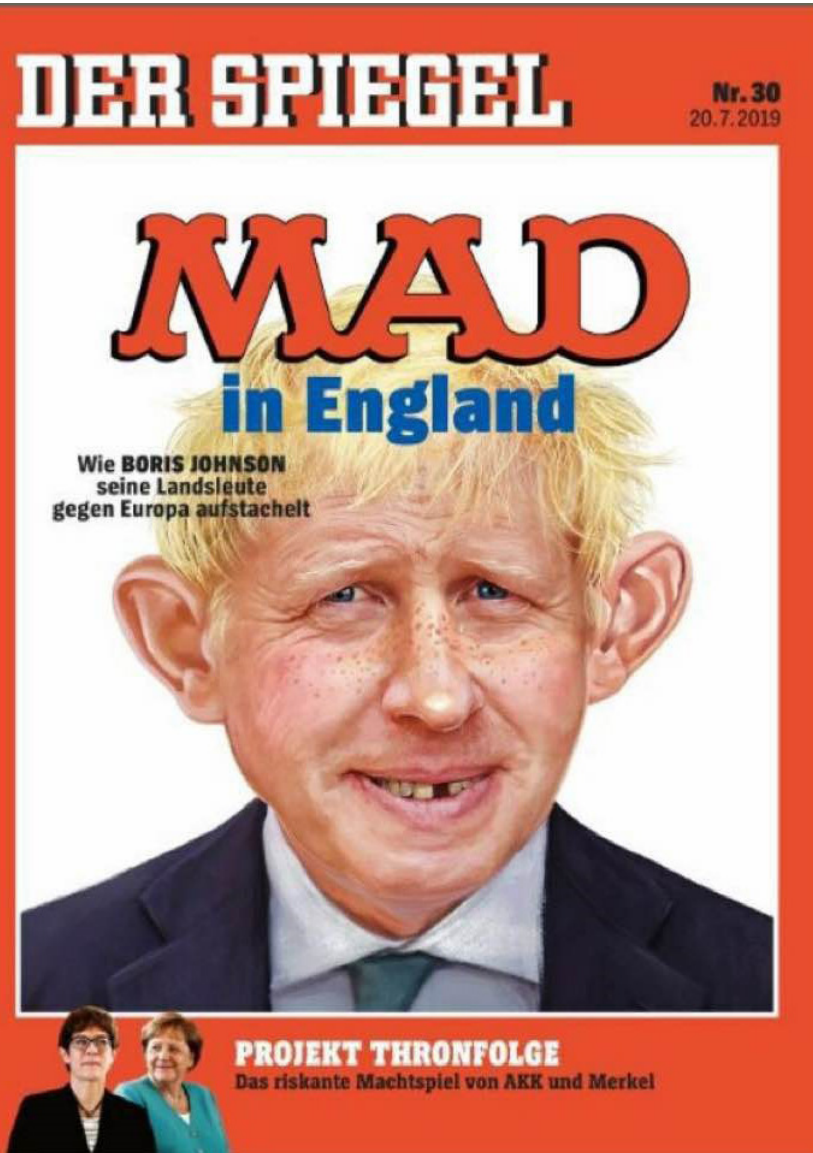
عجیب آنکه در ۲۲ ژوئن رسانه‌های اسرائیلی به نقل از خبرگزاری سوریه، سانا، گزارش دادند که در اثر عملیات خراب کارانه حداقل پنج خط لوله نفت زیر آب در نزدیکی بانیاس دستکاری شدند و این خرابکاری منجر به نشت نفت در آب دریا شد. «علی غانم»، وزیر نفت سوریه، نیز در تأیید خبر، این عمل را اقدام تروریستی بزدلانه خواند. حاصل این اقدام تروریستی آسیب جدی به پایانه خط لوله‌های انتقال نفت به کشتی‌های نفتی از جمله «گریس ۱» بود.

حرکت نیروهای آمریکایی در حول و حوش ایران با هدف قرار دادن پهباد آمریکایی «گلوبال هاوک»، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا خوراک سخنان روزانه‌اش را پیدا کرد و شروع به گزافه‌گویی کرد. بنا بر ادعای او، نیروهای ارتش ایالات متحده آمریکا پس از آنکه پهباد آمریکایی مورد هدف قرار گرفت، در حال آماده باش برای حمله به ایران بودند، ولی او در آخرین لحظه به تلفات انسانی و نجات جان انسان‌ها در ایران فکر کرد و از حمله نظامی صرف نظر نمود. علاوه بر این دولت آمریکا فخر می‌فروشد و رسماً اعلام می‌کند که قصد حملات سایبری جدی به زیر ساخت‌های کامپیوتر ایران را دارد.

آنچه بیش از مورد اصابت قراردادان پهباد قابل توجه است، گسترش فعالیت‌های شناسایی و جاسوسی نیروهای آمریکایی مستقر در کشورهای خلیج فارس علیه ایران از ماه مه تاکنون است. پهباد «گلوبال هاوک» عملاً بخشی از برنامه جمع آوری اطلاعات نظامی بود. از ماه مه تاکنون به کرات حریم فضای هوایی ایران توسط هواپیماهای نظامی ایالات متحده نقض شده است. طبق آمار ایران، می‌توان از پهباد مسلح «ریپر MQ-۹» و هواپیماهای جاسوسی «بوئینگ آر.سی-۱۳۵»، «بوئینگ پی-۸ پوسایدون»، هواپیمای گشت دریایی «لاکهد پی-۳ اورپون» نام برد.

این اقدامات شناسایی پیوسته با جابجایی نیروهای نظامی در حوالی خلیج فارس نیز همراه بوده‌اند. در ماه‌های اخیر دولت آمریکا رسماً یک هواپیما بر با ۷۵۰۰ سرباز، یک اسکادران بمب افکن هسته‌ای بی ۵۲ و ۲۵۰۰ پایگاه نظامی خود را در کشورهای پادشاهی منطقه جابجا کرد. طبق گفته پنتاگون می‌تواند تا ۱۲۰,۰۰۰ نفر در این پایگاه‌ها نفرات اضافه کنند.

چندین نشریه نظامی ایالات متحده در حال حاضر با تکیه بر شواهد گزارش می‌دهند که در واقع فرمانده مرکزی ایالات متحده نیروهای نظامی و تکنولوژی خود از آمریکا و همینطور از عراق، سوریه و افغانستان در خلیج فارس متمرکز کرده است. در همین راستا اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه نیز می‌تواند به زودی صورت گیرد.



دیوانه ای در انگلیس

«دیوانه در انگلیس» عنوانی است که مجله اشپگل برای «بوریس جانسون» به کار برده است: با حذف یک حرف (e) از عبارت Mad in England (ساخت انگلیس)، آن را به Mad in England (دیوانه در انگلیس) تبدیل کرده. «بوریس جانسون»، که دیروز نخست وزیر بریتانیا شد، از سال‌ها پیش سوژه داغ کاریکاتوریست‌ها بوده است.

فرازهایی از مقاله «یورگ شیندلر»، که با تیترو روی جلد: MAD in England در مجله اشپگل در تاریخ ۲۰۱۹/۷/۲۰ به چاپ رسیده است.

نویسنده مقاله از وضع اسفبار حزب محافظه کار می‌گوید. برای مثال در جلسه‌ای که برای انتخاب جانشین «ترزا می» میان دو کاندیدا، یکی «جانسون» و دیگری «هانت» برگزار شد، اکثریت ۶۰۰ عضو شرکت کننده در جلسه را افراد بالای ۷۰ سال تشکیل می‌دادند.

به گزارش مجله Foreign Policy انگلستان و فرانسه، دو کشور اتحادیه اروپا، که در گذشته همیشه در ماجراجویی‌های ویران‌گرایانه نظامی سیاست خارجی ایالات متحده، سهیم بوده و از امریکا حمایت کرده‌اند، بدون آنکه بالقوه در یک تجاوز نظامی احتمالی بطور مستقیم شرکت داشته باشند، متعهد خواهند شد که نیروهای خود را در سوریه ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش دهند و بدین ترتیب فشار ارتش امریکا در منطقه خاورمیانه سبک می‌کنند.

امریکا در جستجوی متحدان مشتاق یک مقام رسمی دولت ایالات متحده امریکا گفت بریتانیا و فرانسه به شرکت در پروژه‌ای به نام «Sentinel» ابراز علاقه کرده‌اند. پروژه‌ای که رسماً با هدف افزایش ضمانت امنیت عبور کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز و دیگر تنگه‌های دریایی طراحی شده است. مایک پمپئو «Sentinel» را به عنوان «واکنشی به تهاجم ایران به تانکرهای نفت» ارائه می‌کند، اما در واقع هدف این برنامه احتمالاً به منظور جذب متحدان برای شرکت در حمله احتمالی ایالات متحده امریکا به ایران طراحی شده است.

در هفته‌های اخیر وزیر امور خارجه، مایک پمپئو، معاون رئیس جمهور، مایک پنس و مشاور امنیت ملی جان بولتون تلاش‌های خود را به نحو چشم‌گیری افزایش دادند، تا «ائتلاف مشتاقان» حمله به ایران را بسیج کنند. ژنرال جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده، به خبرنگار آسوشیتدپرس گفت: «پنتاگون برنامه مشخصی تهیه کرده است و در چند هفته آینده مشخص خواهد شد، چه کشورهایی می‌خواهند به «جبهه ائتلاف» بپیوندند». اما تاکنون امریکا کشورها را به بهانه ضرورت حفاظت کشتی‌های تجاری در منطقه بسیج می‌کرد! پیش از این نیز در ماه ژوئن مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، اعلام کرده بود که به دنبال تشکیل یک «ائتلاف جهانی علیه ایران» است و این ائتلاف نباید تنها به کشورهای خلیج فارس محدود شود، بلکه باید سراسر آسیا و اروپا را دربرگیرد. او افزود که تاکنون نزدیک بیست کشور اعلام آمادگی برای همکاری کرده‌اند، از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی. به گزارش آسوشیتدپرس، این پروژه قبلاً موضوع دیدار متحدین ناتو در مقر این سازمان بوده است. با این حال، در آن زمان، هیچ کشوری موافقت نه کرد تا در این «پروژه» شرکت کند. به گفته دانفورد، تلاش کنونی ایالات متحده برای «ائتلافی کوچک» است که بعداً گسترش خواهد یافت. رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا همچنین تأکید کرد که برای دونالد ترامپ مهم است که «ایالات متحده به تنهایی هزینه چنین مأموریتی را متحمل نه‌شوند» (تأکید از مترجم).

مقاله:

<https://www.heise.de/tp/features/Stand-der-Kriegsvorbereitung-gegen-den-Iran4469482-.html>



دست‌ها از ایران کوتاه باد HANDS OFF IRAN

بیانیه پیرامون افزایش تنش آمریکا علیه ایران

حزب کار ایران (توفان) وظیفه انقلابی خود می‌داند که افکار عمومی جهان را بر علیه هر گونه تجاوز احتمالی نظامی آمریکا به ایران و جنگ خانمان‌سوز دیگری در خاورمیانه بسیج کند. در این راستا، حزب بیانیه‌ای به احزاب برادر متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست و همچنین تعداد کثیری از فعالین سیاسی و تشکلات ضدامپریالیستی و ضدتجاوز ارسال کرده است که ترجمه آنرا در زیر مشاهده می‌کنید.

Hands off Iran!

We, the Party of Labour of Iran (Toufan), strongly condemn the sanctions and aggressions against Iran and the Iranian people. We strongly condemn any foreign intervention into the internal affairs of Iran.

Another unjust and undeclared U.S. war in the Middle East Region will have a devastating consequence for the people of the region and for world peace.....

دست‌ها از ایران کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان) تحریم و تجاوز بر علیه ایران و مردم آنرا شدیداً محکوم می‌کند. ما هر نوع دخالت خارجی در امور

بطور کلی او آینده تیره و تاری را برای این حزب پیش بینی می‌کند. جانسون که از بنیان «BREXIT» (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا - توفان) است، اکنون باید راه حلی برای خروج از این بحران بیابد. نویسنده با تمسخر می‌گوید: «جانسون می‌خواهد «BREXIT» را به سبک خود به سر منزل مقصود برساند. او بر این نظر است که: «زین پس این پارلمان اروپا نه‌خواهد بود که او را سوال‌پیچ نماید، بلکه این اوست که راه خروج را دیکته خواهد کرد!» همان «BREXIT» که نظام سلطنتی انگلستان را به سمت بیهوشی سیاسی سوق داده است. ماجرای «BREXIT»، که جانسون یکی از معماران آن بود، مدت‌هاست که این کشور را فاقد رهبری کرده است. امروز در اثر کشمکش بر سر مسئله «BREXIT»، خطر از هم پاشیدگی حزب محافظه‌کار و حزب کار انگلستان را تهدید می‌کند. کشمکش و بحث بی‌پایان و بی‌سرانجامی، که به تحقیر بی‌سابقه یک سیاست‌مدار و در نتیجه سقوط «ترزا می» انجامید، سبب شد که او نتواند «BREXIT» را عملی سازد. مضحک اما اینجاست که اکنون شخصی به نام جانسون باید این وظیفه را به عهده بگیرد! همان کسی که مدت‌هاست در سردرگمی به سر می‌برد و نمی‌داند که باید له و یا علیه «BREXIT» باشد! او کسی است که قبل از رفراندوم «BREXIT» در سال ۲۰۱۶ در انگلستان، از قبل دو مطلب متضاد به رشته تحریر درآورده بود، یکی در تأیید پیروزی «BREXIT» و دیگری در تأیید شکست آن. او البته بعد از تأیید «BREXIT» از طرف مردم به لحاظ منافع شخصی به نفع «BREXIT» تصمیم نهایی گرفت و خودش را در رأس هرم موافقین آن قرارداد.

امروز اما اکثریت مطلق مردم بریتانیا به جانسون اعتماد ندارند. آنها به او به عنوان شخصی لاف‌زن، مغرور، از خودراضی، ستیزه‌جو، مُردد و در عین حال زیرک و سخن‌ور می‌نگرند؛ به قسمی که نمی‌توان به سهولت از دام اغواگری او رهید. حتی بسیاری از اعضای حزب خود او (محافظه‌کار) نسبت به او بی‌اعتمادند. علی‌رغم همه اینها در حال حاضر یک ائتلاف عجیب میان دشمنان اروپا و موافقین آن، به دلیل هراس از فقدان رهبری که می‌تواند منجر به هرج و مرج گردد، گرد او اجماع کرده‌اند. آنها از ترس از دست دادن قدرت به این «معجزه» باورمندند که جانسون غیر ممکن را ممکن خواهد ساخت! یعنی هم از یک طرف بر «جرمی کوربین» و Nigel Farage (نماینده انگلستان در پارلمان اروپا) غلبه کند و هم «BREXIT» را با موفقیت به نتیجه برساند! حتی اگر او از کاریزمای لازم هم برخوردار باشد، باید در موفقیت او شک کرد زیرا که او فاقد برنامه است. اما به نظر چنین می‌آید که او به صورت تزلزل‌ناپذیری از خود راضی و مغرور است. رویای کودکی او این بود که «پادشاه جهان شود» و اکنون، گرچه که هنوز به درستی نمی‌داند که هدف‌اش از به قدرت رسیدن چیست، زیرا که فاقد برنامه است ولی می‌خواهد پا جای پای ترامپ بگذارد.

بحران امپریالیسم انگلیس با آمدن و رفتن این و یا آن در رأس قدرت حل‌نخواهد شد. سال‌هاست دوره ابرقدرتی این کشورامپریالیستی به سر آمده و اکنون نقش پادوئی امپریالیسم آمریکا را به عهده گرفته است. راهزنی دریایی انگلیس در روزهای اخیر و بی‌آبرویی او در عرصه جهانی حکایت از ضعف و بحران و پوسیدگی این سیستم کهن استعماری دارد.

احزاب برادر متشکل در کنفرانس احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست:

۱. حزب کمونیست کارگران تونس
۲. حزب کار ترکیه
۳. حزب کمونیست کارگران دانمارک
۴. حزب کمونیست کارگران فرانسه
۵. تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست کارگران آلمان
۶. پلاتفرم کمونیستی نروژ
۷. تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان
۸. حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا - پلاتفرم کمونیستی
۹. حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)
۱۰. حزب کمونیست کار دومینکن
۱۱. حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست - لنینیست)
۱۲. حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)
۱۳. حزب کمونیست انقلابی ولتا (بورکینو فاسو)
۱۴. حزب کمونیست شیلی (عمل پرولتری)
۱۵. حزب کار ایران (توفان)
۱۶. حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست - لنینیست)
۱۷. حزب کمونیست انقلابی برزیل
۱۸. حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست - لنینیست)
۱۹. حزب کمونیست بنین
۲۰. حزب کمونیست آلبانی
۲۱. حزب کمونیست توگو
۲۲. جبهه کارگران پاکستان
۲۳. راه دمکراتیک مراکش
۲۴. حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج
۲۵. حزب کمونیست پرو (مارکسیست - لنینیست)
۲۶. دمکراسی انقلابی هندوستان
۲۷. حزب کمونیست انقلابی بولیوی
۲۸. حزب کار آمریکا

داخلی ایران را قویاً محکوم می‌کنیم. جنگ دیگری توسط آمریکا در خاورمیانه عواقب بسیار مخربی برای مردم منطقه و صلح جهانی خواهد داشت. تحریم و تجاوز به عراق، لیبی، یمن، افغانستان، و سوریه هم اکنون این کشورها را به ویرانی کشانده و شرایط بسیار وخیمی را برای مردم منطقه موجب شده است. امپریالیست‌های آمریکائی تلاش دارند که تمایل سلطه‌گرایانه خود را بر ایران تحمیل کنند. امپریالیست‌های آمریکائی و اروپائی به همراه متحدین خود، اسرائیل و عربستان سعودی در آرزوی تعیین سیاست خارجی ایران توسط خود به سر می‌برند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت ایران را نقض کنند. آنها تلاش دارند که رژیم جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم در برابر دیکته قدرت‌های امپریالیستی به‌کشانند. دولت دونالد ترامپ بر این تلاش است که منافع سیاسی و اقتصادی انحصارات آمریکائی در منطقه خلیج فارس را حفظ کرده و توسعه دهد.

تبلیغاتی که توسط مقامات رسمی آمریکا و اروپا بر علیه ایران برافزوده شده است، دروغ‌های ساختگی بیش نیستند. ایران مفاد توافقنامه اتمی وین (برجام) را نقض نه کرده است. ماشین تبلیغاتی امپریالیست‌ها حقایق را وارونه جلوه می‌دهند و جای فاعل و مفعول (ناقص و ناقص شونده) را عوض می‌کنند. دولت آمریکا، تحریم‌های اقتصادی - مالی - بانکی - تجارتي بر علیه ایران را حذف نه کرد، به تعهدات خود در قبال توافقنامه اتمی عمل نه نمود، و بطور یکجانبه از برجام خارج شد. به دنبال نقض برجام توسط آمریکا، کشورهای اروپائی، که منافع خودشان را مد نظر دارند، تحت فشار تهدیدهای آمریکا شروع کردند به فرار از اجرای تعهدات خود در قبال برجام. هم اکنون بیش از یکسال است که آمریکا از توافقنامه وین خارج شده، دست به اجرای تحریم‌های جدیدی بر علیه ایران زده است. در این وضعیت، ایران حق دارد که با استناد به بندهای ۲۶، ۳۶ و ۳۷ توافقنامه اجرای تعهدات خود را بطور کلی و یا جزئی متوقف کند.

امپریالیست‌ها با تجاوز به کشورهای خاورمیانه و همسایگان‌اش، مردم منطقه را قربانی عملیات تروریستی خود کرده‌اند و مسبب تشنج و ناامنی در این کشورها شده‌اند. ده‌ها پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه منبع تهدید و تشنج در منطقه هستند. قدرت‌های امپریالیستی باید از منطقه بیرون روند، تا مردم صلح و امنیت خود را باز یابند.

در ایران، هرگونه تغییر و تحول سیاسی یک امر داخلی است. تنها ملت ایران، نه هیچ نیروی امپریالیستی، مجاز است که سرنوشت سیاسی ایران را تعیین کند.

نه به تحریم و نه به تجاوز نظامی امپریالیستی به ایران!

دست‌ها از ایران کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

مرداد ماه ۱۳۹۸

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان گرامی توفان، ماهیت این جنگ احتمالی بین آمریکا و ایران را چگونه ارزیابی می‌کند. اگر ماهیت هر دو گروه دولت درگیر ارتجاعی و ضد مردمیست، آنوقت چه مخالفتی به شعار نه به آمریکا جنگ و نه به ارتجاع داخلی دارید؟ چرا در این صورت «جبهه مستقل سوم» پاسخ به این اوضاع نمی‌تواند باشد.

پاسخ: دوست عزیز باید هر مقوله‌های را به طور مشخص مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرارداد، تا بتوان نتایج مترتب بر آن را بیرون کشید. مقوله خلق‌های تحت ستم در ارتباط با مقوله ستمگری امپریالیسم و الحاق تعریف می‌گردد. آیا باید از خلق‌های تحت ستم برای رهایی دفاع کرد یا نه؟ این که تاکتیک کمونیست‌ها چه باشد، بحث دیگری است.

جنگ امپریالیستی جنگی ارتجاعی برای تقسیم مجدد جهان و کسب اشغال سرزمین‌های جدید و مواد خام است. جنگ رهایی‌بخش جنگی دفاعی برای کسب استقلال است. تاکتیک و نوع برخورد با این دو مقوله باید متفاوت باشد، در غیر این صورت به دگماتیسم در خواهیم غلطید. متأسفانه همین درک غلط از مقولات است، که عده‌ای از جریان‌های سیاسی جنگ احتمالی و تجاوز کارانه علیه ایران را از هر دو سو ارتجاعی ارزیابی می‌کنند و مدام جنگ جهانی اول را مثال می‌آورند؛ یعنی رژیم‌های سرمایه‌مداری ایران و عراق در دوره صدام حسین

را.... امپریالیستی همانند روسیه ۱۹۱۷ می‌پندارند و ساز «جبهه سوم و جنگ را به جنگ داخلی» تبدیل کنیم راه می‌اندازند، بدون این که قادر باشند یک تحلیل درست سیاسی، اقتصادی و منطقی ارائه دهند. نوع برخورد ما به اشغال عراق، افغانستان و لیبی و.... احتمالاً سوریه و ایران اگر مبتنی بر درک درست از ماهیت امپریالیسم و جنگ برای مواد خام و سرکردگی بر دیگر رقبای امپریالیستی نه‌باشد، به نتایجی می‌رسیم که اپوزیسیون مرتجع عراق، افغانستان، لیبی رسید و این فاجعه‌بار است.

تجاوز نظامی به عراق، افغانستان، لیبی، احتمالاً ایران دارای یک ماهیت است. این جنگ از طرف امپریالیست‌ها به طور مشخص آمریکا برای تصاحب مواد خام، نفت و گاز و ایجاد پایگاه‌های نظامی و کنترل رقبای تازه نفس نظیر چین و یا اتحادیه اروپا است. همه اینها به منظور حل بحران امپریالیستی است، که اگر به صورت منطقی حل نگردد، در نهایت امکان رودر روی امپریالیست‌ها و جنگ جهانی منتفی نیست. حل بحران امپریالیستی با ویران‌سازی زیربنای کشورهای مثل عراق، ایران، لیبی و افغانستان و غیره... با خاک یکسان کردن این ممالک و نابودی میلیون‌ها نفر از مردم محروم و زحمتکش و فرار موج میلیونی انسان‌ها به بیرون از کشور انجام می‌گیرد. پس این تجاوز محکوم است، باید مانع این تجاوز جنایت کارانه شد. ماهیت این جنگ از طرف آمریکا تجاوز کارانه و غیرعادلانه و نقض حق ملل در حق تعیین سرنوشت خویش است. از این‌روی ماهیت چنین جنگ تجاوز کارانه‌ای ارتجاعی است.

دفاع عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و احتمالاً ایران.... اگر حتا در چهارچوب منشور سازمان ملل

تا بخواهیم در موردش به قضاوت به‌نشینیم. «جبهه سوم» یک شعار موهومی و ظاهراً «چپ» است، اما در واقعیت امر معنایی جز این ندارد که صلادهندگان این شعار هدف‌شان سرنگونی رژیم در شرایط حمله نظامی به ایران است. از آنجا که این گروه‌ها خود فاقد نیروی اجتماعی‌اند، آنوقت مجبورند از ارتش متجاوز آمریکا مدد گیرند، تا دشمن اصلی را که جمهوری اسلامی است، براندازند. این ارتش آمریکاست که توان برانداختن رژیم را دارد، نه سازمان‌های چند نفره، که فاقد نیرو و توان و نفوذ اجتماعی‌اند. این سازمان‌ها در پارکابی امپریالیسم علیه رژیم خواهند جنگید. اینان ظاهراً یک تیر به سوی ارتش آمریکا و یک تیر به سوی ارتش ایران رها می‌کنند، تا صف مستقل خود را به نمایش به‌گذارند! ما نمونه چنین جبهه‌های موهومی سوم را در عراق و سایر ممالک نظیر دیدیم، دیدیم که این شعارها توخالی بودند و این سازمان‌های اپوزیسیون عملاً به چرخ دنده‌های امپریالیسم بدل شدند و نقش ارتجاعی ایفا کرده‌اند. حزب «کمونیست» عراق در آستانه تجاوز به عراق با شعار «نه به جنگ و نه به صدام» به استقبال حمله ارتش آمریکا به عراق رفت و عملاً سرنگونی رژیم عراق را به فال نیک گرفت و به پایکوبی پرداخت. امروز حزب توده رویزیونیست نیز همین شعار «نه به این و نه به آن» را ساز کرده است، تا همانند حزب برادرش در پارکابی آمریکا رژیم ولایت فقیه را براندازد و ایران را دمکراتیزه کند!

در صورت وقوع جنگ فقط دو جبهه وجود دارد، جبهه مقاومت همه مردم علیه قوای اشغال‌گر و جبهه مدافعان اشغال‌گران. تنها در بستر یک مقاومت عمومی ضد تجاوز است که حزب طبقه کارگر می‌تواند به بسیج توده مردم علیه متجاوزین به وظیفه‌اش جامه عمل پوشد و با کسب رهبری جنبش رهایی‌بخش و حل مسئله ملی، سوسیالیسم را در ایران مستقل بنا نهد. راهی جز این راه برای رهایی متصور نیست.

متحد و و حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار دهیم، جنگی دفاعی و عادلانه است. ماهیت جنگ را نمی‌توان صرفاً با توسل به ماهیت سیاسی رژیم‌ها مورد تبیین قرارداد. اگر چنین باشد، آنوقت نمی‌توان ماهیت جنگ دولت فرانسه علیه ارتش متجاوز و فاشیست هیتلر را عادلانه ارزیابی کرد، زیرا دولت فرانسه نیز ماهیت‌اش امپریالیستی و ارتجاعی بود.

برای پی‌بردن به ماهیت جنگ باید به اهداف سیاسی، اقتصادی جنگ پی‌برد، نه ماهیت دولت‌ها.

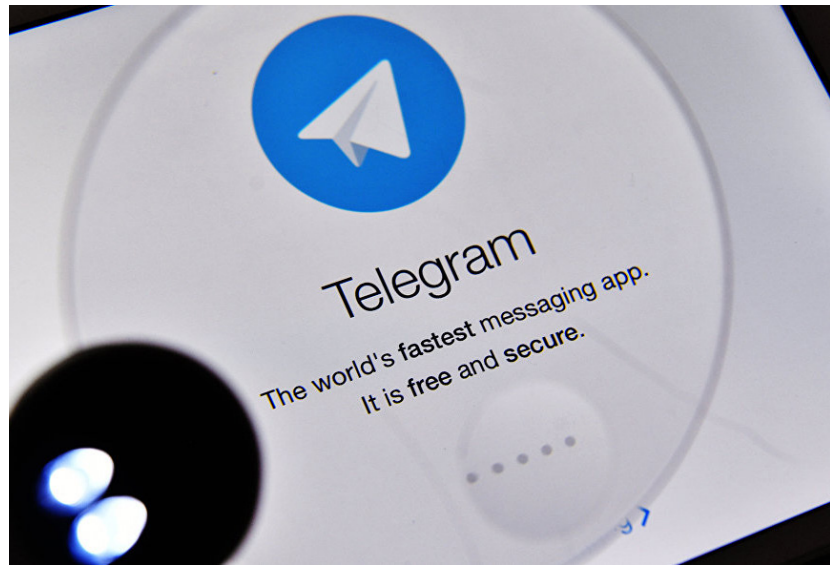
حزب ما تحریم اقتصادی علیه ایران را غیرقانونی و نقض حقوق ملل ارزیابی می‌کند. تهدید و تجاوز احتمالی به ایران اقدامی تجاوزکارانه و ارتجاعی و نقض حقوق ملل است. پس اگر چنین است، آنوقت باید تاکتیک سیاسی در چنین جنگی را قبل و بعد از بروز جنگ تعیین کرد و مردم را حول شعارهای روشن ضد تجاوز و ضد استعمار و ضد امپریالیستی بسیج کرد. شعار «دست‌ها از ایران کوتاه باد!» و «نه به تجاوز امپریالیستی به ایران» شعارهای بازدارنده و صحیح و انقلابی قبل از وقوع جنگ است. این نقض تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی و نقض قوانین خودساخته سازمان ملل متحد است و باید محکوم گردد.

حال اگر بر فرض مثال تجاوز به ایران صورت گیرد، این مردم ایران به ویژه محروم‌ترین اقشار جامعه هستند که آسیب می‌بینند. این تجاوز ابتدا زمینی نیست، بلکه یک تجاوز مهیب و ویرانگر هوایی با بمب‌افکن‌های غول‌پیکر است. آن قدر ایران را از هوا می‌کوبند، تا با خاک یکسان شود، تا سرانجام رژیم سرنگون گردد و رژیمی ارتجاعی‌تر، اما نوکر آمریکا بر مسند قدرت به‌نشیند. تازه در اینجاست که مقاومت در روی زمین آغاز می‌گردد.

حال در این شرایط چه باید کنیم؟

نیروهای پیشرو و در رأس آن کمونیست‌ها، باید همه مردم ایران را به مقاومت در مقابل متجاوزین و نوکران‌شان دعوت کنند و در جبهه‌های ملی و میهنی در مقابل اشغال‌گران به‌جنگند. باید دشمن اصلی و متجاوز خارجی را مورد هدف قرار داد و به دیگر نیروهای مسلح، که خواهان مقاومت در مقابل متجاوزین هستند، اعلان آتش‌بس داد. شعار ما این است: «تمام سلاح به سوی دشمن متجاوز خارجی و بیرون‌ریختن اشغال‌گران از خاک ایران و کسب استقلال ملی». تنها در این بستر مبارزه است که کمونیست‌ها می‌توانند قدم به قدم اعتماد مردم را به دست آورند و سرانجام با حل مسئله ملی به مسئله داخلی و مطالبات مردم پاسخ گویند. در اینجا جبهه سومی وجود ندارد

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: آیا اینطور نیست که وقتی یک حاکمیت در داخل علیه مردم خودش به سرکوب دست زد و آنها را نادیده گرفت، زمینه مساعد برای دخالت خارجی را فراهم می‌کند؟ آیا درست نمی‌بود نوک تیز شمشیرتان را متوجه دشمن داخلی می‌کردید تا دشمن خارجی یا به قول شما کمونیست‌ها «امپریالیسم»؟

پاسخ: دوست محترم: در این گفته شما دو حقیقت نهفته است:

یکی اینکه یک قدرت خارجی وجود دارد، که قصد دارد در امور داخلی کشور ما دخالت کند و حتی جنگی را به مردم ایران تحمیل کند. این یک سوی حقیقت است، منتها شما با این وجه حقیقت کاری ندارید، آنرا موضوع پرسش‌تان هم قرار نمی‌دهید.

حقیقت دوم که شما به درستی به آن اشاره می‌کنید، این است که رژیم ایران مردم خودش را سرکوب می‌کند. ما اما بر این باور نیستیم که این دیکتاتوری جمهوری اسلامی است که «زمینه مساعد برای دخالت خارجی را فراهم» ساخته است. ما باید این پرسش را طرح کنیم که هدف این «قدرت خارجی» از تحمیل جنگ به مردم ایران با بهانه یا بی‌بهانه چیست؟ به هر حال ما در برابر شرایط مشخصی قرار گرفته‌ایم و آنرا باید به طور مشخص تحلیل کنیم. واقعیت امر اینست که مردم ایران از یکسو در داخل با یک رژیم به غایت عقب‌مانده سرمایه‌داری روبرو هستند، که دین و مذهب را عامل سرکوب توده‌های مردم کرده و لیبرالیسم را به جان مردم زحمتکش انداخته است، که آثار آنرا همه به وضوح می‌بینند. از سوی دیگر در خارج از مرزهای ایران کشورهای امپریالیستی، به جان هم افتاده‌اند تا هژمونی خود را بر رقبای خود تحمیل کنند و در همین راستا چه بسا جهان را به سوی یک جنگ خانمانسوز دیگر خواهند کشانید. تجارب جنگ جهانی اول و دوم موید این واقعیت است. «هژمونی» از دید امپریالیسم یعنی غلبه استراتژیک بر منابع انرژی دنیا، که این کار را با جنگ اقتصادی، تهدیدات و تحریمات و تعرضات

نظامی و کودتا و غیره انجام می‌دهد. زمین بازی امپریالیست‌ها کشورهای هستند که تأمین این هژمونی به غلبه بر این کشورها بسته است؛ ایران، سوریه، افغانستان، لیبی، یمن، سودان، ونزوئلا، اکراین و غیره... نمونه‌هایی از این دست هستند. این دشمن «خارجی» که به زعم شما دنبال بهانه است، به این توجه نمی‌کند که در درون این کشورها چه نظامات سیاسی مستقر هستند، برای او نبود «دموکراسی» و «حقوق بشر» تنها می‌تواند، بهانه‌ساز باشد و نه امر تأمین آن. به این معنی مردم ایران فقط در درون برای دموکراسی و عدالت اجتماعی نمی‌رزمند، مبارزات آنها در دنیای امپریالیستی نمی‌تواند جنبه ملی به خود نه گیرد که گرفته است. بنابر این مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی با مبارزه برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی درهم آمیخته است؛ آنها را نمی‌توان از هم تفکیک نمود و فقط جنبه «دموکراتیک» آنرا برجسته کرد و دیگری را از افق دید خود دور انداخت. خب با این تفصیل وظیفه نیروهای مترقی چیست؟ باید بگوئیم ما کاری با این دشمن «خارجی» که قصد تحمیل جنگ را در سر می‌پروراند، نداریم؟

خیر دوست عزیز! مگر دولت قانونی دکتر مصدق پایبند به دموکراسی نبود؟ چرا همین دشمن «خارجی» که دنبال بهانه میگردد تا در امور داخلی ما دخالت کند و یا حتی به حاکمیت ما تعرض نماید، در مسائل داخلی ما دخالت کرد و علیه او کودتا راه انداخت؟ شاید مصدق با ملی کردن نفت بهانه به دست او داده بود. نتیجه منطقی حرف شما این است که اگر جنگ و آسایش می‌خواهیم، رژیم ایران باید در برابر امپریالیسم، سر تعظیم فرود آورد و امورات کشور را دو دستی تقدیم دشمن «خارجی» کند. دوست عزیز فکر نمی‌کنید که شما اولی را بهانه‌ای کرده‌اید، تا آخری را راه حل منطقی برون رفت از این بحران نشان دهید.

راهی را که شما پیشنهاد می‌دهید، راه اطاعت و فرمانبری است. ملت‌ها اگر بخواهند بر استقلال خود تکیه کنند، راهی جز همبستگی بین‌المللی، مقاومت و ایستادگی برای حفظ استقلال ملی و مبارزه علیه هرگونه تهدید و تحریم و جنگ نیست. ملت‌ها خواهان جنگ نیستند. ولی صلح‌جویی ملت‌ها به این معنا نیست که چنانچه امپریالیسم تعرض نماید، آنها از خود مقاومت نشان ندهند، به استقبال او روند. همانطور که در سوریه نرفتند و از کشور، از تمامیت ارضی خود در برابر دشمنان خارجی به دفاع برخاستند. برعکس تصور شما این امپریالیسم است که جنگ می‌خواهد و اگر بهانه‌ای هم نیابد، بهانه برای آن بوجود می‌آورد. به یاد بیاورید چگونه آمریکا و متحدینش با دروغ و حيله و تزویر، با جعل اسناد ساختگی یک جنگ خانمانسوز را به مردم عراق تحمیل کردند. این واقعیت را شما عمداً کتمان می‌کنید، یا در بهترین حالت آنرا کم خطر جلوه می‌دهید.

توجه داشته باشید که مبارزه با رژیم ایران امریست داخلی و سرنگونی آن تنها وظیفه مردم ایران است و نه وظیفه دشمن «خارجی».

با سپاس از توجه شما



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						